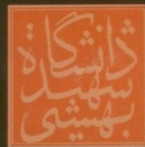


آیینه‌های ستار

فصلنامه خبری، آموزشی و اطلاع‌رسانی
ستاد شاهد و ایثارگر دانشگاه شهید بهشتی
شماره هشتم - زمستان ۱۳۸۵



امام حسین (علیه السلام)
من احبک نهاک و من ابغضک اغراک
کسی که تو را دوست دارد، از تو انتقاد می‌کند
و کسی که با تو دشمنی دارد، از تو تعریف و تجلیل می‌کند.
(بخارا، ج ۵۷، ص ۱۲۸)

مقام معظم رهبری:
امروز نسل جوان ما در
برابر هر امتحانی مثل
همان نسل جوان
دوران جبهه نسل
مومنی است.

امام خمینی (ره):
ما دانشگاهی می خواهیم که ما
را از وابستگی‌ها بیرون بیاورد، ما را
مستقل کند، تمام کشور را مستقل
کند و در خدمت اسلام باشد.



- ۳ حرف اول
۷ برای تو
۸ نامه امام خمینی (ره) به گورباچف
۱۶ اخبار
۲۰ گزارش سفر دو روزه ...
۲۲ جبر زمان و مساله عدالت
۲۵ برای پدرم
۲۶ ما باید دوباره نوید علم را ...
گفتگوبادکترمحمدمهدی تهرانچی
۳۰ جرئت مند بودن چیست ؟
۳۲ پیشانی بند حب ولایت بر پیشانی مان
۳۶ مردان خدا
۳۸ شهید فرامرز پروانه اسدی
۴۰ دیدن رنگ قرمز قبل از آزمون ...
۴۰ اسامی دانشجویان شاهد و ایثارگر ممتاز
۴۱ لبنان سرزمین مقاومت
۴۳ خورشید تابناک

فصلنامه خبری، آموزشی و اطلاع رسانی
ستاد شاهد و ایثارگر دانشگاه شهید بهشتی
شماره هشتم - زمستان ۱۳۸۵

صاحب امتیاز: ستاد شاهد و ایثارگر
مدیر مسئول: داود طالبی
سر دبیر: سکیته زاهدی
دبیر تحریریه: زقیه افسری
مدیر هنری: مهیار سپهری
حروفچین: مریم اصغری
تلفن: ۲۲۴۳۱۸۸۴
نمابر: ۲۲۴۳۱۸۸۴
E-mail: shahed83@sbu.ac.ir
www.shahed.sbu.ac.ir

همکاران این شماره
زهرا کولی و نده مریم کافان
زهرا افلاحتژاد • رضا بابایی

سید جواد میر لوحی (پدر سید مجتبی) روحانی و از سادات اصفهان، مدرس و مداح اهل بیت بود. وقتی رضا خان حکم به ممنوعیت عبا و عمامه داد و قرار شد همه لباس متحد الشکل و کلاه پهلوی بپوشند با مشورت علما جواز و کالت گرفت تا با سلاح قانون به جنگ قانون برود اما طولی نکشید که به دلیل مشاجره با وزیر عدلیه روانه زندان شد. سه سال بعد به سید مجتبی که ۱۲ سال بیشتر نداشت، خبر دادند که سید جواد - پدرش - به طور ناگهانی در زندان فوت کرده است. حالا دیگر سرپرست خانواده دایی محمود بود.

چند وقتی می‌شد که صدور شناسنامه رواج یافته بود و مادر نام خانوادگی خود «نواب صفوی» را بر فرزند نهاد. در سال ۱۳۲۱ پس از اخذ مدرک دیپلم از مدرسه صنعتی آلمانها در حالیکه ۱۸ سال بیش نداشت، در شرکت نفت استخدام شد و راهی آبادان شد. در آن سالها شهر مملو از افراد انگلیسی بود که برای استخراج و بهره برداری از چاه‌های نفت به ایران آمده بودند؛ آنها با تکیه بر ثروت ملی ایران از زندگی مرفهی برخوردار بوده و در عین حال کارگران ایرانی را

مورد توهین و تحقیر قرار می‌دادند. شش ماه از ورود سید مجتبی به آبادان می‌گذشت، روزی یکی از کارگران شتابان به نزد سید مجتبی رفت و گفت: «آقا یکی از انگلیسیها به همکار ما توهین کرد و او را زخمی نمود.» در جلسه شبانه نواب از کارگران خواست، فردا هیچ کس بر سر کار حاضر نشود و همه در پالایشگاه اجتماع کنند تا درباره این بی حرمتی تصمیمی قاطع گرفته شود.

صبح روز بعد او تمام خشم و نفرتش را در صدایش جمع نمود و با شجاعت فریاد برآورد: «برداران! ما



در تاریخ مبارزات ایران اسلامی فصل زمستان (بهمن) یادآور طعم شیرین پیروزی است و اگر کمی به عقب‌تر برگردیم ریشه‌های این مبارزات را در تاریخ دهم اسفندسال هزار و سیصد و بیست و چهار، سالروز اعلام رسمی فعالیت گروه فدائیان اسلام به رهبری سید مجتبی نواب صفوی مشاهده می‌کنیم او که به قول رهبر فرزانه انقلاب «ولین جرقه‌های انگیزش انقلاب اسلامی به وسیله نواب در من به وجود آمد» و به یقین مرور این ریشه‌ها با کمک تاریخ تحلیلی و تاریخ ترکیبی این حلاوت را دو صد چندان می‌کند.

رهبر: سید مجتبی نواب صفوی
اعضاء اصلی: سید حسین امامی - سید عبدالحسین
واحدی - سید خلیل طهماسبی - سید محمد واحدی -
سید علی محمد امامی
هیأت رئیسه: رضا قدیری - حسین کارجو - غضنفر
حیدر عربی - حسن آزاد - قدیر خرمیان
نشان شناسایی: پرچم سبز سه رنگ، با سه هلال ماه
که در آن نوشته شده:

لا اله الا الله، محمد رسول الله، علی ولی الله
سید حسین امامی از اعضای اصلی فداییان اسلام
پس از اعدام انقلابی هژیر(مهره مشهور انگلیسیها)
دستگیر شد. گروه فدائیان تصمیم گرفت تا در شب
اجرای حکم، او را از زندان نجات دهد اما رژیم از این
تصمیم مطلع شد و به دروغ خبریه تاخیر افتادن حکم
اعدام را در مطبوعات منتشر ساخت و از آن سوی در
نیمه‌های همان شب حکم اجرا شد و بدین گونه اولین
شهید گروه فدائیان اسلام به جوار حق تعالی شتافت.
در پی استعفای حسنعلی منصور در خرداد ماه سال
۱۳۲۹ و معرفی رزم آرا به عنوان نخست وزیر از سوی
شاه به مجلس، فداییان اسلام در طی مبارزات علنی
خود علیه نخست وزیر، روز جمعه مورخ ۱۳۲۹/۱۲/۱۱
را روز میتینگ سرنوشت ساز خود اعلام کرده و
با پخش اعلامیه از تمام اقشار مردم حتی ارتش و
ژاندارمری و شهربانی برای شرکت در این میتینگ
دعوت نمودند. «سید عبدالحسین واحدی» در محل
تجمع مردم - مسجد شاه - ضمن برشمردن ستمهایی
که در عصر سلطنت خاندان پهلوی به ملت ایران شده
است، حکومت‌های شوروی، انگلیس و آمریکا را به
خاطر دخالت در امور داخلی مردم ایران، به شدت

مسلمان هستیم، و قصاص یکی از احکام ضروری دین
ماست. آن فرد انگلیسی به چه حقی به برادر ما حمله
کرده و او را زخمی نموده است؟ یا باید آن انگلیسی
جلو همه ما از برادرمان پوزش بخواهد یا اگر این کار را
نکند؛ باید مجازات شود.» هنوز سخنان سید مجتبی
به پایان نرسیده بود، که کارگران خشمگین و پرشور
به طرف اتاق فرد انگلیسی به راه افتادند؛ مستشار
انگلیسی با دیدن جمعیت خشمناک، وحشتزده از
آنجا گریخت. شیشه‌های ساختمان شکسته شد، اما
پس از مدت کوتاهی با دخالت پلیس و تهدید کارگران
از جانب نظامیان، جمع متفرق شد، پلیس در جست
و جوی رهبر این شورش، همه را زیر نظر گرفت،
دوستان سید تصمیم گرفتند ایشان را از کشور خارج
کنند و اینچنین او راهی نجف اشرف شد.

نواب صفوی در تاریخ ۱۳۲۴/۲/۲۴ پس از بازگشت
از نجف به ایران اقدام به اعدام انقلابی سید احمد
کسروی(تاسیس مذهب ضاله "پاکدینی" و ادعای
پیامبری آن، برگزاری مراسم سالانه جشن کتاب
سوزی و سوزاندن قرآن از سوی نامبرده از جمله
دلایل این ترور بوده است) اما این امر به دلیل دخالت
پلیس نا فرجام ماند و سید مجتبی دستگیر و راهی
زندان شد. وی پس از یک هفته به دلیل فشار مردم و
علما با قرار دوازده هزار تومان از زندان آزاد گشت.

در تاریخ ۱۳۲۴/۱۲/۱۰ نواب صفوی پس از آزادی از
زندان فعالیت گروه فدائیان اسلام را رسماً اعلام نمود.

نام گروه: فداییان اسلام

تاریخ تأسیس: ۱۳۲۴ (ه-ش)

هدف: تشکیل حکومت اسلامی و از میان برداشتن
حاکمان غاصب و ستمگر پهلوی و نجات مظلومان جهان

همین لحظه اسلحه خود را به زمین انداخت و ندای الله اکبر را سر داد. پس از چند لحظه وی توسط مأموران رژیم دستگیر و رهسپار زندان شد. مجلس شورای ملی نیز در تاریخ ۱۳۲۹/۱۲/۲۴ لایحه ملی شدن صنعت نفت ایران را به اتفاق آرا تصویب نمود.

دکتر مصدق با حمایت آیت الله کاشانی و تلاشهای فداییان اسلام پس از اعدام انقلابی رزم آرا و استعفاء حسین علاء به نخست وزیری رسید. مصدق همزمان با رسیدن به قدرت تلاشهای فداییان اسلام را فراموش نمود و سید مجتبی نواب صفوی را به همراه چند تن از یارانش به زندان افکند. اعضای فداییان اسلام تمام تلاش خود را مبنی بر آزادسازی رهبرشان انجام دادند، اما این تلاشها بی نتیجه ماند تا اینکه سید عبدالحسین واحدی تصمیم گرفت برای رهایی نواب صفوی، دکتر فاطمی (معاون پارلمانی دکتر مصدق) را از بین ببرد. عبد خدایی که در آن زمان نوجوانی بیش نبود (تا در صورت دستگیر شدن دادگاه نتواند حکم اعدام صادر کند)، برای این منظور انتخاب شد. واحدی در توجیه این مسأله گفت: «رابط بین دربار و مصدق، دکتر فاطمی است و تمام مسائل را او هماهنگ می کند، اگر او از بین برود اختلاف شاه و مصدق قطعاً به زودی ظهور می کند باید اواز بین برود تا این اختلاف به وجود بیاید و نواب صفوی و طهماسبی آزاد شوند.» واحدی در تاریخ ۲۳ بهمن ماه سال ۱۳۳۰ یک کلت آمریکایی به محمد مهدی عبدخدایی داد و بر روی کاغذ نوشت: «آزادی فوری نواب صفوی و خلیل طهماسبی، قطع ایادی اجانب و سرکوبی دشمنان اسلام و ایران اعم از روس و انگلیس و آمریکا، اجرای سریع احکام نورانی و مقدس اسلام» و آن را به اسلحه چسباند.

محکوم نمود و اعلام کرد: «نفت ایران متعلق به همه مردم است و هیچ بیگانه‌ای حق طمع در ثروت این مرز و بوم را ندارد. اکثریت نمایندگان مجلس شورای ملی، نماینده واقعی این ملت نیستند و شاه حق اعمال نفوذ در مجلس را ندارد و دولت رزم آرا نیز دولت فرمایشی شاه است و جوابگوی خواسته‌های این مردم نیست. مردم ایران دولتی می خواهند که احکام اسلام را اجرا کند... رزم آرا! چنانچه تا سه روز دیگر خودت کنار نروی تو را خواهیم فرستاد.»

در دوره پانزدهم مجلس، رزم آرا لایحه «گس-گلشانیان» را که یک قرارداد نفتی میان کشور ایران و انگلیس بود برای تصویب نهایی به مجلس برد. قصد او از طرح این مسئله نادیده گرفتن مسأله ملی شدن صنعت نفت و مبارزات آیت الله کاشانی و جبهه ملی بود. وی در دفاع از این طرح گفت: «ما لیاقت لولهنگ سازی نداریم پنجاه سال است که آن را می سازیم اما هیچ ترقی نکرده‌ایم. چطور می توانیم صنعت نفتمان را اداره کنیم. دست از این کارها بردارید. اگر این کارهای عوام فریبانه ادامه پیدا کند، من ناچار می شوم مسجد را بر سر آیت الله کاشانی و مجلس را روی سر اقلیت خراب کنم.»

آیت الله کاشانی و جبهه ملی برای از میان برداشتن رزم آرا به عنوان سدره، وحدت نظر داشتند لذا با استمداد از فداییان اسلام در صدد اعدام انقلابی وی برآمدند. پس از تشکیل جلسه اضطراری فداییان اسلام، خلیل طهماسبی مسئولیت این طرح را به عهده گرفت.

محمد علی رزم آرا صبح روز چهارشنبه ۱۳۲۹/۱۲/۱۶ هنگام شرکت در مجلس ترحیمی در مسجد شاه توسط خلیل طهماسبی با اسلحه کمربندی کشته شد. خلیل در

روز بیست و ششم بهمن ماه دکتر فاطمی برای انجام مراسم سالگرد محمد مسعود [مدیر روزنامه مرد امروز] به قبرستان ظهیر الدوله رفت، عبدخدایی نیز برای انجام مقاصدش وارد قبرستان شد و در بالای قبر محمد مسعود ایستاد و در ساعت سه بعدازظهر به طرف دکتر فاطمی شلیک نمود. عبدخدایی اسلحه را انداخت و فریاد زد: «الله‌اکبر، الله‌اکبر، الله‌اکبر، الاسلام یعلوا و لا یعلیٰ علیه.» این اعدام انقلابی بدلیل سن کم عبدخدایی و عدم تسلط او در استفاده از سلاح نافر جام ماند و وی روانه زندان شد.

سال ۱۳۳۴ هجری شمسی اعلامیه‌ای از جانب دولت منتشر شد مبنی بر اینکه: «حسین علاء (نخست وزیر وقت) به بغداد می‌رود تا با کشورهای پاکستان، ترکیه، عراق و انگلستان پیمان نظامی سنتو (بغداد) را امضاء نماید.» با امضای این قرارداد آمریکا و انگلیس حق داشتند نیروهای نظامی خود را به ایران بفرستند. به همین دلیل نواب صفوی در جلسه اضطراری فداییان اعلام کرد: «حسین علاء چون در رأس مخروط تهاجم به اسلام و قرآن و ملت مسلمان ایران قرار گرفته، مهدور الدم است.» در همین جلسه مظفر علی ذوالقدر برای انجام این مأموریت خطیر انتخاب شد. پس نواب پارچه‌ای تهیه کرد و بر روی آن نوشت: «قطع ایادی اجانب و سرکوبی دشمنان اسلام و ایران، اعم از روس، انگلیس، آمریکا... اجرای سریع احکام نورانی و مقدس اسلام، لغو قرارداد کنسر سیوم نفت، عدم اجرای پیمان نظامی بغداد و هر قرارداد خارجی» و در پشت پارچه سوره «ناس» و «قلق» را به خط خود نوشت و آن را به عنوان کفن بر تن ذوالقدر نمود.

روز پنجشنبه بیست و پنجم آبان ماه سال ۱۳۳۴

قرار بود علاء برای شرکت در مجلس ترحیم به مسجد شاه برود رهبر گروه فدائیان مظفر علی ذوالقدر را برای انجام مأموریت به آنجا فرستاد و به عبدالحسین واحدی و اسدالله خطیبی دستور داد به اهواز بروند تا اگر ذوالقدر نتوانست کار خود را انجام دهد واحدی نخست وزیر را هنگام سفر به عراق از بین ببرد، اما همان روز ذوالقدر در مسجد شاه با شلیک گلوله‌های نخست وزیر را مجروح ساخت و خود دستگیر شد. چند روز بعد تمام اعضای فداییان اسلام دستگیر و مورد شکنجه قرار گرفتند و سرانجام پس از ۵۷ روز شکنجه دادگاه حکم خود را اعلام نمود:

سید مجتبی نواب صفوی، رهبر فداییان اسلام (اعدام)، سید محمد واحدی (اعدام)، مظفر ذوالقدر (اعدام)، خلیل طهماسبی (اعدام)، سید هادی میرلوحی (۶ سال زندان)، اصغر عمروی (۵ سال زندان)، احمد تهرانی (۴ سال زندان)، علی بهاری (۳ سال زندان).

برای یک لحظه سکوت همه جا را فرا گرفت، ناگهان محکومان به اعدام همگی با هم خندیدند. رییس دادگاه با عصبانیت پرسید: «به چه چیزی می‌خندید.» رهبر فداییان با آرامش گفت: «نزدیک شدن به بزرگترین آرزوی زندگی‌مان. شهادت، بزرگترین آرزوی ما بود، حالا در چند قدمی ماست.»

محکومان به اعدام در تاریخ ۱۳۳۴/۱۰/۲۷ همزمان با سالروز شهادت بانوی دو عالم در حالیکه همچون «بلال» نوای دلنشین اذان را سر داده بودند، در میدان تیربار زندان عشرت‌آباد عاشقانه به دیدار یار شتافتند.

«الذین امنوا و عملوا الصالحات طوبی لهم و حسن ماب» و کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند خوشا به حال آنها و عاقبت نیکویشان.

برای تو

چشمتو ببند،
به احترام لحظه سجود فرشته‌ها سکوت کن،
سکوتی سبز تا جایی که حس کنی خالی شدی از
همهمه روزگار!
تا زمانی که پر شوی از بوی خدا....
پله بوی خدا....
شک نکن، همین لحظه است که با تمام وجود حسش
می کنی و مطمئن می شی که تنها نیستی، می بینی
کسی هست که با وجود اینکه گاهی وقتها ممکنه
فراموشش کنی، هیچوقت فراموشش نمی کنه،
وقتی به اینجا رسیدی، آروم چشمتو باز کن....
می بینی گرمی روحش تمام وجودت رو پر کرده و
شیرینی نگاهش تو عمق دلت نشسته و این تویی که
باید حس کنی، ببینی و باور کنی همه باورها رو اونهم
تو ماه معرفت....
فقط یادت باشه تو همه لحظه‌های عرفانی کسی هست
که محتاج دعای توست.
زهر اکولی وندی
دانشجوی رشته روان شناسی

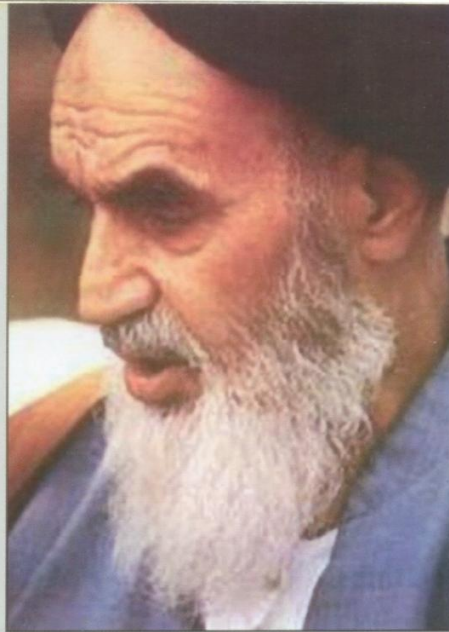
نامه امام خمینی (ره) به گورباچف و پاسخ گورباچف

معروف و تاریخی امام خمینی خطاب به میخائیل گورباچف آخرین رییس‌جمهور شوروی در زمینه مرگ کمونیسم و ضرورت پرهیز روسیه از اتکا به غرب انتشار یافت.

این نامه در شرایطی منتشر شد که اتحاد جماهیر شوروی هنوز به عنوان یک مجموعه برقرار بود، جنگ سرد خاتمه نیافته بود، دیوار برلین به عنوان نماد جدائی شرق و غرب، فرو نریخته بود و حاکمیت کمونیسم بر قانون اساسی شوروی و بر مقدرات مردم در جمهوری‌های این کشور، هنوز برقرار بود. با این حال امام خمینی در نامه عبرت‌آموز خویش به گورباچف از صدای شکسته شدن استخوان‌های مارکسیسم سخن به میان آورد و وی را از روی آوردن به غرب برای حل مشکلات اقتصادی اتحاد جماهیر شوروی بر حذر داشت.

روز یازدهم دی ماه ۱۳۶۷ هجری شمسی، حضرت امام خمینی (س) بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران پیام مهم و تاریخی خود را خطاب به گورباچف صدر هیأت‌ریسه شوروی سابق صادر کردند. نامه تاریخی امام (س) در شرایطی خطاب به رهبر شوروی سابق نگاشته شده بود که تحلیلگران سیاسی نظاره‌گر تجدید نظر طلبی و آغاز تحولات دنیای کمونیسم بوده ولی قادر به اظهار نظر در این باره نبودند. رهبر کبیر انقلاب اسلامی نه تنها اظهار نظر صریح درباره تحولات جهان کمونیست کرد بلکه فرمود: از این پس کمونیسم را باید در موزه‌های تاریخ سیاسی جهان جستجو کرد. متن کامل پیام امام خمینی (س) به گورباچف به این شرح است:

در اولین روز سال ۱۹۸۹ میلادی ۱۱ دی ۱۳۶۷ نامه



متن نامه امام خمینی به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم
جناب آقای گورباچف!

صدر هیأت ریسه اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی با امید خوشبختی و سعادت برای شما و ملت شوروی، از آنجا که پس از روی کار آمدن شما چنین احساس می‌شود که جنابعالی در تحلیل حوادث سیاسی جهان، خصوصاً در رابطه با مسایل شوروی، در دور جدیدی از بازنگری و تحول و برخورد قرار گرفته‌اید، و جسارت و گستاخی شما در برخورد با واقعیات جهان چه بسا متشأ تحولات و موجب به هم خوردن معادلات فعلی حاکم بر جهان گردد، لازم دیدم نکاتی را یادآور شوم. هر چند ممکن است حیطة تفکر و تصمیمات جدید شما تنها روشی برای حل معضلات حزبی و در کنار آن حل پاره‌ای از مشکلات مردمتان باشد، ولی به همین اندازه هم شهامت تجدیدنظر در مورد مکتبی که سالیان سال

فرزندان انقلابی جهان را در حصارهای آهنین زندانی نموده بود قابل ستایش است. و اگر به فراتر از این مقدار فکر می‌کنید، اولین مسأله‌ای که مطمئناً باعث موفقیت شما خواهد شد این است که در سیاست اسلاف خود دایر بر «خدازدایی» و «دین‌زدایی» از جامعه، که تحقیقاً بزرگترین و بالاترین ضربه را بر پیکر مردم کشور شوروی وارد کرده است، تجدیدنظر نمایید؛ و بدانید که برخورد واقعی با قضایای جهان جز از این طریق میسر نیست. البته ممکن است از شیوه‌های ناصحیح و عملکرد غلط قدرتمندان پیشین کمونیسم در زمینه اقتصاد، باغ سبز دنیای غرب رخ بنماید، ولی حقیقت جای دیگری است. شما اگر بخواهید در این مقطع تنها گره‌های کور اقتصادی سوسیالیسم و کمونیسم را با پناه بردن به کانون سرمایه‌داری غرب حل کنید، نه تنها دردی از جامعه خویش را دوا نکرده‌اید، که دیگران باید بیایند و اشتباهات شما را جبران کنند؛ چرا که امروز اگر مارکسیسم در روشهای اقتصادی و اجتماعی به بن‌بست رسیده است، دنیای غرب هم در همین مسایل، البته به شکل دیگر، و نیز در مسایل دیگر گرفتار حادثه است.

جناب آقای گورباچف، باید به حقیقت رو آورد. مشکل اصلی کشور شما مسأله مالکیت و اقتصاد و آزادی نیست. مشکل شما عدم اعتقاد واقعی به خداست. همان مشکلی که غرب را هم به ابتذال و بن‌بست کشیده و یا خواهند کشید. مشکل اصلی شما مبارزه طولانی و بیپرده با خدا و مبدأ هستی و آفرینش است.

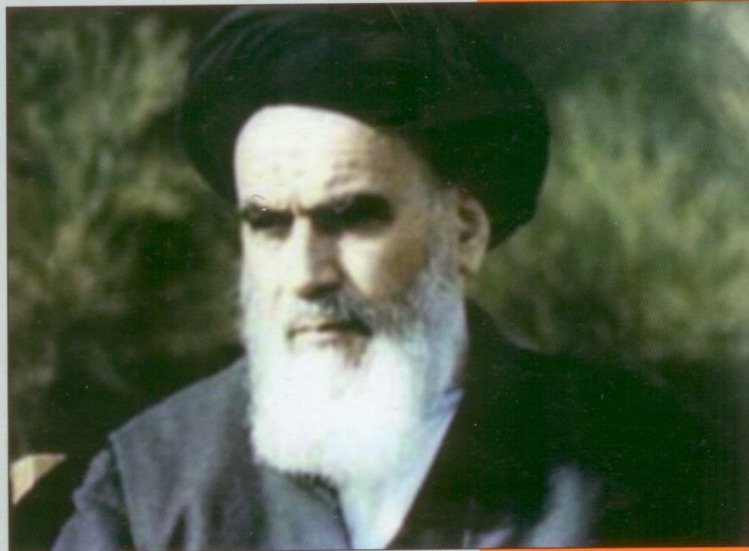
جناب آقای گورباچف، برای همه روشن است که از این پس کمونیسم را باید در موزه‌های تاریخ سیاسی جهان جستجو کرد؛ چرا که مارکسیسم جوابگوی

و شیطان بزرگ نشوید. امیدوارم افتخار واقعی این مطلب را پیدا کنید که آخرین لایه‌های پوسیده هفتاد سال کژی جهان کمونیسم را از چهره تاریخ و کشور خود بزدايید. امروز دیگر دولتهای همسو با شما که دلشان برای وطن و مردمشان می‌تپد هرگز حاضر نخواهند شد بیش از این منابع زیرزمینی و روزمینی کشورشان را برای اثبات موفقیت کمونیسم، که صدای شکستن استخوان‌هایش هم به گوش فرزندان‌شان رسیده است، مصرف کنند.

آقای گورباچف وقتی از گلدسته‌های مساجد بعضی از جمهوری‌های شما پس از هفتاد سال بانگ «الله‌اکبر» و شهادت به رسالت حضرت ختمی مرتبت صلی‌الله‌علیه و آله و سلم به گوش رسید، تمامی طرفداران اسلام ناب محمدی (ص) را از شوق به گریه‌انداخت. لذا لازم دانستم این موضوع را به شما گوشزد کنم که بار دیگر به دو جهان‌بینی مادی‌والهی‌بیندیشید. مادیون معیار شناخت در جهان‌بینی خویش را «حس» دانسته و چیزی را که ماده‌ندارد موجود نمی‌دانند. قهرأ جهان غیب، مانند وجود خداوند تعالی و وحی و نبوت و قیامت، را یکسره افسانه می‌دانند. در حالی که معیار شناخت در جهان‌بینی الهی اعم از «حس و عقل» می‌باشد، و چیزی که معقول باشد داخل در قلمرو علم می‌باشد گرچه محسوس نباشد. لذا هستی اعم از غیب و شهادت است، و چیزی که ماده ندارد، می‌تواند موجود باشد. و همان‌طور که موجود مادی به «مجرد» استناد دارد، شناخت حسی نیز به شناخت عقلی متکی است.

قرآن مجید اساس تفکر مادی را نقد می‌کند، و به آنان که بر این پندارند که خدا نیست و گرنه دیده می‌شد. لن نومن لک حتی نری‌الله جهره می‌فرماید:

هیچ نیازی از نیازهای واقعی انسان نیست؛ چرا که مکتبی است مادی، و با مادیت نمی‌توان بشریت را از بحران عدم اعتقاد به معنویت، که اساسی‌ترین درد جامعه بشری در غرب و شرق است، به در آورد. حضرت آقای گورباچف، ممکن است شما اثباتاً در بعضی جهات به مارکسیسم پشت نکرده باشید و از



این پس هم در مصاحبه‌ها اعتقاد کامل خودتان را به آن ابراز کنید؛ ولی خود می‌دانید که ثبوتاً این‌گونه نیست. رهبر چین اولین ضربه را به کمونیسم زد؛ و شما دومین و علی‌الظاهر آخرین ضربه را بر پیکر آن نواختید. امروز دیگر چیزی به نام کمونیسم در جهان نداریم. ولی از شما جداً می‌خواهم که در شکستن دیوارهای خیالات مارکسیسم، گرفتار زندان غرب

لاتدر که الابصار و هو يدرك الابصار و هو اللطيف الخبير. از قرآن عزیز و کریم و استدالات آن در موارد وحی و نبوت و قیامت بگذریم، که از نظر شما اول بحث است، اصولاً میل نداشتیم شما را در پیچ و تاب مسایل فلاسفه، بخصوص فلاسفه اسلامی، بیندازم. فقط به یکی دو مثال ساده و فطری و وجدانی که سیاسیون هم می‌توانند از آن بهره‌ای ببرند بسنده می‌کنم. این از بدیهیات است که ماده و جسم هر چه باشد از خود بیخبر است. یک مجسمه سنگی یا مجسمه مادی انسان هر طرف آن از طرف دیگرش محجوب است. در صورتی که به عیان می‌بینیم که انسان و حیوان از همه اطراف خود آگاه است. می‌داند کجاست؛ در محیطش چه می‌گذرد؛ در جهان چه غوغایی است. پس، در حیوان و انسان چیز دیگری است که فوق ماده است و از عالم ماده جدا است و با مردن ماده نمی‌میرد و باقی است.

انسان در فطرت خود هر کمالی را به طور مطلق می‌خواهد. و شما خوب می‌دانید که انسان می‌خواهد قدرت مطلق جهان باشد و به هیچ قدرتی که ناقص است دل نبسته است. اگر عالم را در اختیار داشته باشد و گفته شود جهان دیگری هم هست، فطرتاً مایل است آن جهان را هم در اختیار داشته باشد. انسان هر اندازه دانشمند باشد و گفته شود علوم دیگری هم هست، فطرتاً مایل است آن علوم را هم بیاموزد. پس قدرت مطلق و علم مطلق باید باشد تا آدمی دل به آن ببندد. آن خداوند متعال است که همه به آن متوجهیم، گرچه خود ندانیم.

انسان می‌خواهد به «حق مطلق» برسد تا فانی در خدا شود. اصولاً اشتیاق به زندگی ابدی در نهاد هر انسانی نشانه وجود جهان جاوید و مصون از مرگ است. اگر

جناب‌عالی میل داشته باشید در این زمینه‌ها تحقیق کنید، می‌توانید دستور دهید که صاحبان این گونه علوم علاوه بر کتب فلاسفه غرب در این زمینه، به نوشته‌های فارابی و بوعلی سینا، رحمت‌الله علیهم‌السلام در حکمت مشاء مراجعه کنند، تا روشن شود که قانون علیت و معلولیت که هر گونه شناختی بر آن استوار است، معقول است نه محسوس؛ و ادراک معانی کلی و نیز قوانین کلی که هر گونه استدلال بر آن تکیه دارد، معقول است نه محسوس، و نیز به کتابهای سهروردی رحمت‌الله علیه در حکمت اشراق مراجعه نموده، و برای جناب‌عالی شرح کنند که جسم و هر موجود مادی دیگر به نور صرف که منزله از حس می‌باشد نیازمند است؛ و ادراک شهودی ذات انسان از حقیقت خویش میرا از پدیده حسی است. از اساتید بزرگ بخواهید تا به حکمت متعالیه صدر المتألهین رضوان الله تعالی علیه و حشره‌الله مع‌النبیین و الصالحین مراجعه نمایند، تا معلوم گردد که: حقیقت علم همانا وجودی است مجرد از ماده؛ و هر گونه اندیشه از ماده منزله است و به احکام ماده محکوم نخواهد شد.

دیگر شما را خسته نمی‌کنم و از کتب عرفا و بخصوص محی‌الدین ابن عربی نام نمی‌برم؛ که اگر خواستید از مباحث این بزرگمرد مطلع گردید، تنی چند از خبرگان تیزهوش خود را که در این گونه مسائل قویاً دست دارند، راهی قم گردانید، تا پس از چند سالی با توکل به خدا از عمق لطیف باریکتر از موی منازل معرفت آگاه گردند، که بدون این سفر آگاهی از آن امکان ندارد.

جناب آقای گورباچف، اکنون بعد از ذکر این مسایل و مقدمات، از شما می‌خواهم درباره اسلام به صورت جدی تحقیق و تفحص کنید. و این نه به خاطر نیاز اسلام و



پاسخ گورباچف به پیام امام خمینی:

پیام امام خمینی در ۱۳ دی ۱۳۶۷ توسط هیأت منتخب ایشان مرکب از آیت‌الله جوادی آملی، محمدجواد لاریجانی و خانم مرضیه حدیده‌چی دیباغ، در مسکو به گورباچف تحویل گردید.

گورباچف نیز هشت هفته بعد پاسخ رسمی خود را توسط «دوآرد شوارد نادره» وزیر خارجه وقت شوروی، در تهران تسلیم امام خمینی کرد. گورباچف در این پاسخ، برای نامه امام ارج فراوان قایل شده بود ولی از متن جوابیه وی پیدا بود که ابعاد معنوی پیام امام را درک نکرده است. زیرا صرفاً تلاش کرده بود تا از یکسو اقدامات خود در جهت ترویج آزادیهای سیاسی در شوروی را تشریح کند و از سوی دیگر دستاوردهای اقتصادی کمونیسم را از ۱۹۱۷ به بعد توصیف نماید.

«دوآرد شوارد نادره» وزیر خارجه وقت شوروی روز هفتم اسفند ۱۳۶۷ پاسخ گورباچف را در حسینیه جماران به اطلاع امام خمینی رساند. در این دیدار که آقایان علی‌اکبر ولایتی وزیر امور خارجه، محمدجواد لاریجانی، و علیرضا نوبری حیرانی سفیر وقت ایران در مسکو حضور داشتند، وزیر خارجه شوروی ابتدا پیام

مسلمین به شما، که به جهت ارزشهای والا و جهان شمول اسلام است که می‌تواند وسیله راحتی و نجات همه ملت‌ها باشد و گره مشکلات اساسی بشریت را باز نماید. نگرش جدی به اسلام ممکن است شما را برای همیشه از مساله افغانستان و مسائلی از این قبیل در جهان نجات دهد. ما مسلمانان جهان را مانند مسلمانان کشور خود دانسته و همیشه خود را در سرنوشت آنان شریک می‌دانیم. با آزادی نسبی مراسم مذهبی در بعضی از جمهوریهای شوروی، نشان دادید که دیگر این گونه فکر نمی‌کنید که مذهب مخدر جامعه است.

راستی مذهبی که ایران را در مقابل ابرقدرتها چون کوه استوار کرده است مخدر جامعه است؟ آیا مذهبی که طالب اجرای عدالت در جهان و خواهان آزادی انسان از قیود مادی و معنوی است مخدر جامعه است؟ آری، مذهبی که وسیله شود تا سرمایه‌های مادی و معنوی کشورهای اسلامی و غیراسلامی، در اختیار ابرقدرتها و قدرتها قرار گیرد و بر سر مردم فریاد کشد که دین از سیاست جدا است مخدر جامعه است. ولی این دیگر مذهب واقعی نیست؛ بلکه مذهبی است که مردم ما آن را «مذهب امریکایی» می‌نامند.

در خاتمه صریحاً اعلام می‌کنم که جمهوری اسلامی ایران به عنوان بزرگترین و قدرتمندترین پایگاه جهان اسلام به راحتی می‌تواند خلأ اعتقادی نظام شما را پر نماید. و در هر صورت، کشور ما همچون گذشته به حسن همجواری روابط متقابل معتقد است و آن را محترم می‌شمارد.

والسلام علی من اتبع الهدی.

۶۷/۱۰/۱۱

روح‌الله الموسوی‌الخمینی

شوروی، هدف ما تعمیم رجحان ارزشهای مشترک برای تمامی ملتها و برتری این ارزشها بر تمامی منافع دیگر چه طبقه‌ای و چه ملی است.

آقای گورباچف به شما می‌نویسد که حرفهای امام راجع به حسن نیت رهبری ایران جهت داشتن روابط حسنه و حسن همجواری با اتحاد شوروی با واکنش خوب از طرف رهبران شوروی مواجه شده است. ما دارای یک مرز بسیار طولانی هستیم همچنین دارای سنن دیرینه مناسبات و روابط فرهنگی بین دو ملت هستیم. ما اساس خوبی داریم برای استمرار مناسبات بر پایه جدید. یعنی بر پایه اصول احترام متقابل، تساوی حقوق و عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر.

آقای گورباچف می‌نویسد که در سیاست بین‌المللی، ما پیرو یک اصل اساسی هستیم یعنی اصل احترام به آزادی انتخاب برای هر انسان و هر ملت. نتیجتاً کشور ما و تمامی ملت ما از انقلاب بزرگ شما حسن استقبال کرده است. استبداد شاهنشاهی در ایران مردم خود را استثمار کرده و از روش‌های واقعاً بربریت استفاده می‌کرده و شرافت و آبروی ملت خود را پایمال کرده برای جلب رضایت نیروهای خارجی. انقلاب شما انتخاب ملت شما بوده است و ما از این همیشه پشتیبانی کرده و می‌کنیم.

آقای گورباچف در پیام خود می‌نویسد که ملت ما نیز انتخاب خود را به عمل آورده و این در سال ۱۹۱۷ بود. در رهگذر ما، هم مشکلات بزرگی بود و هم موفقیت‌های چشمگیری بوده. هم اشتباهات و خیمی بوده است و هم نقض حقوق بشر بوده که ما با این اشتباهات خود را اصلاح می‌کنیم و آن را محکوم می‌کنیم. علی‌رغم تمامی مشکلات، ما از دستاوردهای

کتبی میخائیل گورباچف را به امام خمینی تسلیم کرد و سپس اظهار داشت: از حضرت امام بسیار متشکرم از این فرصتی که برای ملاقات با شما به دست آوردم. مأموریت دارم پیام جوابیه میخائیل سرگئی گورباچف را تسلیم حضرت امام کنم. سعی خواهیم کرد به طور خیلی مختصر محتوای این پیام را برای شما عنوان نمایم. ابتدا می‌خواستم عرض کنم که خود واقعیات تبادل پیام‌ها بین رهبران کشور ما یک پدیده منحصر به فرد در روابط فیما بین است. اعتقاد ما بر این است که شرایطی پیش آمده است تا روابط فیما بین دو کشور ما وارد یک مرحله کیفی جدیدی شود برای همکاریها در تمامی زمینه‌ها.

آقای گورباچف در پیام خود اشاره می‌کنند که پیام جنابعالی خطاب به دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی از مفاهیم فراوان سرشار است. تمامی اعضای هیأت رهبری شوروی متن پیام جنابعالی را مطالعه کردند. شکی نیست که ما در موارد عمده‌ای اتفاق نظر داریم اما مواردی هست که ما اختلاف نظر داریم، اما این مهم نیست.

پیام شما ملاحظاتی عمیق راجع به سرنوشت بشریت دارد. آقای گورباچف عقیده دارند که ما در مهمترین مورد اتفاق نظر داریم یعنی انسانها باید یاور یکدیگر باشند تا بشریت فناپذیری به خود بگیرد. چنانچه انسان‌ها متحد نشوند خطر فاجعه برای بشریت وجود دارد، چون امکانات بالقوه برای به وجود آوردن چنین فاجعه توسط خود انسانها ایجاد شده است.

آقای گورباچف معتقد است که مبارزه در راه نیل به یک دنیای عاری از سلاح هسته‌ای و آزاد از زور وظیفه تمامی ملتهاست. و اما راجع به سیاست خارجی اتحاد

خود توانستیم دفاع کنیم چون انتخاب مردم راست بوده است. می‌خواستیم به استحضارتان برسانم که مساله آزادی انتخاب در دستور روز زندگی بین‌المللی کنونی نیز هست. ما برای خود سوالي داریم چرا که باید راه برای ادامه رهگذر پیدا کنیم: آیا این راه ما راه کهنه و دگماتیک است یا راه جدید و انقلابی؟ انتخاب ما به نفع راه دوم است، ما در کشورمان انقلاب داریم؟ اما یک انقلاب مسالمت‌آمیز بدون سنگرها و بدون توسل به زور، ما می‌خواستیم که حضرت امام بدانند که در کشور ما روند تجدید و بازسازی ادامه دارد. بازسازی اقتصادی و سیاسی، تجدید ارزیابی‌های ما و طرز تفکر ما و تجدید نظریاتی که ما قبلاً داشتیم.

آقای گورباچف اشاره می‌کند که تحولات عظیمی در جهان، اخیراً پدید آمده و فکر می‌کنیم می‌شود گفت که ما در آستانه یک نظام جدید اقتصادی و سیاسی قرار داریم. توافق‌های بسیار مهم به امضا رسیده است یک کلاس از سلاح‌های هسته‌ای از بین می‌رود.

دورنمای خوبی برای از بین بردن سلاح شیمیایی باز شده است و همین‌طور دورنمای خوبی برای جلوگیری از تقابل نظامی دولت‌ها، اما این هدیه امپریالیست‌ها نیست، این اراده ملت‌هاست و اراده زمان است. چاره دیگری وجود ندارد، مسابقه تسلیحاتی و آوردن آن به فضا منجر به فاجعه بشریت خواهد بود. در مناطق مختلف دنیا مناقشات خونین دارند به پایان می‌رسند.

ماز خاتمه جنگ ایران و عراق با صراحت حسن استقبال می‌کنیم، برای همکاری با شما جهت استحکام صلح در خاورمیانه و نزدیک و تملی جهان آمادگی داریم. حضور وسیع نظامی در خلیج فارس مورد نگرانی ما است. منظورم حضور نظامی کشورهای خارج از منطقه است. این پدیده

بسیار خطرناک است و باید آن را به اتمام رساند. ما می‌خواهیم با موفقیت در امر حل و فصل عادلانه مناقشه افغانستان نیز با شما همکاری خوبی داشته باشیم، بگذاریم که مردم افغانستان سرنوشت خود را خودشان بدون دخالت از خارج تعیین نمایند.

شواردنازه افزود: یک نکته دیگر از پیام آقای گورباچف اینک: ایشان اظهار آمادگی می‌کنند برای گسترش همکاری‌های اقتصادی و همکاری در زمینه‌هایی که ما قبلاً همکاری‌های خوبی داشته بودیم. ما برای برقراری و ادامه تماس‌ها بین انسانها، نمایندگان محافل اجتماعی و روحانیون نیز آمادگی داریم. آنها از این دعوت جنابعالی استفاده خواهند کرد.

در پایان، فرستاده ویژه رهبر شوروی گفت: این بود محتوای اصلی پیام آقای گورباچف. ایشان بهترین آرزوها و سلام خود را به جنابعالی می‌رسانند و خواهان طول عمر جنابعالی به نفع و سعادت ایران هستند.

در خاتمه امام خمینی فرمودند:

«ان شاء الله سلامت باشند، ولی به ایشان بگویند که من می‌خواستم جلوی شما یک فضای بزرگتر باز کنم. من می‌خواستم دریچه‌ای به دنیای بزرگ، یعنی دنیای بعد از مرگ که دنیای جاوید است را برای آقای گورباچف باز نمایم و محور اصلی پیام من آن بود. امیدوارم بار دیگر ایشان در این زمینه تلاش نمایند.»

[حضرت امام از خروج نیروهای شوروی از افغانستان استقبال کردند، و بر حسن همجواری و توسعه مناسبات قوی در ابعاد مختلف در مقابله با شیطنتهای غرب و خروج نیروهای بیگانه از خلیج فارس تأکید و آرزو کردند تا مردم شوروی و ایران همیشه در صلح و آرامش زندگی کنند.]

تأملی در پیام امام خمینی:

نامه تاریخی حضرت امام که از اسناد مهم سیاسی قرن محسوب می‌شود، بویژه به دلیل اثبات مفاد آن از جمله فروپاشی کمونیسم، خسارات شوری به خاطر اتکاء به غرب، و متوقف شدن روند واگذاری منابع اقتصادی متحدین شوری به این کشور بسیار درخور اهمیت است. امام خمینی در این پیام تلاش کردند تا به گورباچف چند نکته را تفهیم کنند:

۱. برخلاف تصور مارکس و لنین، اسلام و ارزش‌های دینی، پدیده‌هایی ماندگار و روحبخش ملت‌ها هستند.
۲. کمونیسم و مکاتب مادی وهم و خیالند و ناپایدار و فروپاشیدنی هستند.
۳. غرب تکیه‌گاه قابل اعتمادی برای حل مشکلات روسیه نیست.

با این همه، گورباچف هشدار امام خمینی را جدی نگرفت و در نتیجه عواقب ناشی از این بی‌توجهی همانگونه که در پیام امام خمینی پیش‌بینی شده بود، تحقق یافت یعنی از یک‌سو به گورباچف ثابت شد که پناه بردن به کانون سرمایه‌داری غرب دردی از روسیه را دوا نمی‌کند و از جانب دیگر «دیگران» به میدان آمدند و به بهانه جبران اشتباهات وی، او را به حاشیه راندند. در سالگرد رحلت امام خمینی در ۱۳۷۸ گورباچف طی مصاحبه‌ای با خبرنگار واحد مرکزی خبر در مسکو از اینکه به هشدارهای آن روز بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران بی‌اعتنایی کرده بود، اظهار تأسف نمود. وی در این مصاحبه اظهار داشت: «مخاطب پیام آیت‌الله خمینی از نظر من، همه اعصار در طول تاریخ بود». وی افزود «زمانی که من این پیام را دریافت کردم احساس کردم که شخصی که

این پیام را نوشته بود متفکر و دلسوز برای سرنوشت جهان است. من از مطالعه این پیام استنباط کردم که او کسی است که برای جهان نگران است و مایل است من انقلاب اسلامی را بیشتر بشناسم و درک کنم.»

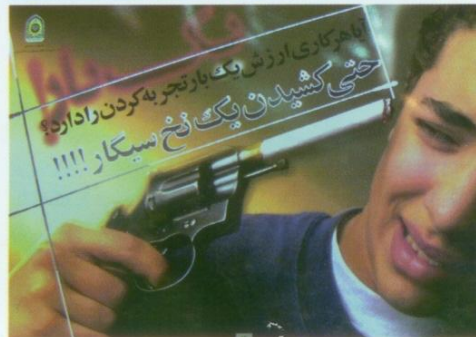
گورباچف سپس با تشریح نابسامانی‌های اقتصادی و سیاسی روسیه، تصریح کرد «اگر ما پیشگویی‌های آیت‌الله خمینی را در آن پیام جدی می‌گرفتیم امروز قطعاً شاهد چنین وضعیتی نبودیم.»

گورباچف در مصاحبه خود با خبرنگار واحد مرکزی خبری به روابط روسیه با غرب اشاره کرده و تصریح نمود که «اقتصاد روسیه از همان ابتدا در حال ریزش و سقوط بود و ما در واقع نمی‌توانستیم همگام با غرب عمل کنیم... ما از جنگ سرد صرف‌نظر کرده و شروع به برقراری روابط با کشورها نمودیم. اما غربی‌ها در این نبرد، پیروز شدند...»

خطای گورباچف این بود که روند حرکتی را که در شوروی به‌عنوان «اصلاحات» شناخته شده بود، با خواست و اراده غرب همراه و هماهنگ کرد. در نتیجه هر روز استقلال و اقتدار کشورش را در برابر غرب به‌طور ناخواسته تضعیف نمود و در عوض پایگاه‌ها و نقاط اتکا فعالیت غرب از داخل شوروی را تقویت نمود. گروه‌هایی که هیچ اعتقادی به تمامیت ارضی و حاکمیت ملی شوروی نداشتند مثل قارچ روئیدند و با متینگ‌ها و گردهمایی‌های تحریک‌کننده و آشوب‌طلبانه در لیتوانی، استونی، اوکراین، تاتارستان، گرجستان و نقاط دیگر بر طبل قومیت‌خواهی و ملی‌گرایی و خودمختاری طلبی کوبیدند و هر روز بیش از روز قبل، امنیت ملی شوروی را از درون و با حمایت بیرونی مورد تهدید قرار دادند.

اخبار دانشگاه

زندگی در غبار (برق شادی، بوی مرگ)



طی روزهای ۸، ۹، ۱۰ اسفند مراسم "زندگی در غبار" در محل سالن ورزشی خوابگاه کوی خواهران و مراسم "برق شادی بوی مرگ" در محل سالن ورزشی خوابگاه کوی برادران اجرا شد.

جلسات سخنرانی، کارگاه‌های آموزشی، پخش فیلم‌های مستند، فیلم‌های سینمایی، برگزاری مسابقات، از جمله برنامه‌های این سه روز به شمار می‌آید. برنامه "زندگی در غبار" در سطح خوابگاه کوی خواهران و با حضور جناب سرهنگ شرافتی پور (مدیر کل مشارکت عمومی ناجا) و سخنرانی پیرامون امنیت اخلاقی و سپس با پخش و تحلیل فیلم مستند "زندگی در غبار" ادامه یافت. همچنین در سطح خوابگاه‌های کوی برادران با حضور جناب سروان باقریان (کارشناس پلیس مبارزه با مواد مخدر ناجا) کارگاه‌های آموزشی پیرامون شناخت انواع مواد مخدر، روشهای پیشگیری از اعتیاد و شناسایی افراد معتاد اجرا شد. از دیگر فیلم‌های مستند پخش

شده که با استقبال مخاطبین روبرو شد می‌توان به فیلم "اعتیاد صنعتی" و "آسیب‌های اینترنتی" اشاره کرد. همچنین در طی سه روز برگزاری برنامه که به همت دانشجویان فعال در حوزه فرهنگی انجام شد به دوستان شرکت کننده در مراسم بسته فرهنگی شامل CD اکستازی و بروشوری پیرامون قرصهای X اهدا شد.

حاجیان دانشجو

کانون فرهنگی، هنری میقات با همکاری کارشناس عمره دانشجویی روز یکشنبه ۸ اسفند از بین ۵۶۰ نفر از کسانی که جهت تشریف به عمره دانشجویی ثبت نام نموده بودند به قید قرعه ۱۰۰ نفر خواهر و ۶۵ نفر برادر را به عنوان اسامی اصلی و ذخیره این سفر اعلام کرد. این قرعه کشی در حضور دانشجویان و در محل کانکس شماره ۴ برگزار شد.

کنفرانس بین‌المللی کامپیوتر

دانشگاه شهید بهشتی میزبان دوازدهمین کنفرانس

بین‌المللی کامپیوتر

دکتر کیوان ناوی دبیر دوازدهمین کنفرانس بین‌المللی کامپیوتر هدف از برگزاری آن را ارائه آخرین تجارب و دستاوردهای تحقیقاتی و علمی در زمینه علوم و مهندسی کامپیوتر عنوان کرد.

وی افزود: کنفرانس دوازدهم در ۱۹ شاخه تحقیقاتی، طیف وسیعی از حوزه‌های مرتبط با علوم و فناوری کامپیوتر گرایش‌های متفاوت بنیادی و کاربردی را تحت پوشش قرار داده است.

دکتر ناوی در خصوص مقاله‌های ارائه شده اظهار

دانشجویی ۲۵۰ نفر از دانشجویان راهی سرزمین‌های نور، مناطق عملیاتی جنوب شدند.



اردو از تاریخ ۸۵/۱۲/۱۹ مصادف با اربعین حسینی آغاز و مورخ ۸۵/۱۲/۲۵ پایان یافت.

اجرای تعزیه در دانشگاه

در راستای ادای احترام به ساحت مقدس سومین امام رحمت و شفقت ۸۵/۱۱/۸ برابر با هشتم ماه محرم الحرام مراسم عزاداری در محوطه مرکزی دانشگاه برگزار شد. این مراسم با ادای فریضه نماز جماعت ظهر و عصر و در نهایت اجرای تعزیه حضرت علی اکبر خاتمه یافت.

گفتنی است با شروع ترم جدید و همزمان با چهلمین روز عروج شهدای کربلا، اربعین حسینی، روزهای ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ اسفند مراسم تعزیه در خوابگاه‌های دختران و پسران برگزار شد.

داشت: از مجموع ۹۴۴ مقاله که مولفین در محدوده زمانی اعلام شده موفق به ارسال آنها شده بودند، ۲۵۱ مقاله بصورت عادی و ۱۶۳ مقاله بصورت پوستری ارائه می‌شود.



دبیر دوازدهمین کنفرانس بین‌المللی کامپیوتر با برشمردن ویژگی‌های کنفرانس دوازدهم تاکید کرد: انجام کلیه فرآیندهای مرتبط با کنفرانس اعم از اطلاع رسانی، دریافت و ارسال مقالات، داوری و ثبت نام به شکل الکترونیکی، پیگیری مداوم فرآیند داوری مقالات توسط تیمی متشکل از دانشجویان دکتری و کارشناسی ارشد به عنوان دستیار برای هر شاخه علمی و پوشش جنبه‌های کاربردی جدید همچون مباحث معماری سازمانی فناوری اطلاعات، معماری نرم‌افزار و نانو تکنولوژی از جمله ویژگی‌های کنفرانس دوازدهم است.

کاروان راهیان نور

همچون سنت سالهای گذشته به همت بسیج

بررسی ابعاد فنی و سیاسی برنامه هسته‌ای ایران

اولین کارگاه آموزشی ابعاد فنی و سیاسی برنامه هسته ای ایران به همت قطب علمی مطالعات خاور میانه و جهانی شدن و با حضور آقایان دکتر آقامیری، دکتر مینوچهر، دکتر شهریاری و پروفسور محسن مسرت در محل دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی برگزار شد.

مدیرکل امور سیاسی و بین‌المللی در کارگاه آموزشی "بررسی ابعاد فنی و سیاسی برنامه هسته ای ایران: وضعیت موجود و دورنما" ضمن بیان تاریخچه ای از دستیابی به انرژی هسته ای در جهان گفت: آینده دنیا به سمت گیری به سوی انرژی هسته ای است و این جریانی است که ما اکنون آن را در کشورهای نظیر مالزی، ترکیه، اندونزی و مصر شاهد هستیم.

حمید بعیدی نژاد با بیان این مطلب که مسئله استفاده از انرژی هسته ای به عنوان یک چالش برای نظام بین‌الملل تبدیل شده است افزود: یکی از نگرانی‌های عمده در رابطه با ایجاد ترتیبات جدید در چرخه سوخت امکان استفاده کشورهای دارنده تکنولوژی در مصارف نظامی است. نگرانی کشورهای در حال توسعه نظیر برزیل و آفریقای جنوبی در رابطه با تقسیم بندی کشورهای جهان به دارنده چرخه سوخت هسته ای و کشورهای فاقد آن از دیگر چالشهای جهانی مسئله دستیابی به این نوع انرژی بوده است که از سوی مدیرکل امور سیاسی و بین‌المللی عنوان شد.

وی تاکید کرد: یکی از انتقاداتی که به NPT وارد است تبعیض آمیز بودن برخورد آن با کشورهای عضو است. در همین رابطه وی اظهار داشت: با اینکه در این معاهده بر کمک به کشورهای عضو در دستیابی به این انرژی به

صورت صلح آمیز تاکید شده است اما در مسئله ایران و با وجود بازرسی‌های مداوم آژانس از مراکز هسته ای ایران و تایید صلح آمیز بودن این فعالیتها در رابطه با ادامه این فعالیتها مخالفت به عمل می‌آید.

اخبار استادشاهد و ایثارگر

حضور دانشجویان شاهد و ایثارگر در تیم منتخب دانشگاه اوزارامیه مسابقات سراسری دانشگاهها

دانشجویان شاهد و ایثارگر بار دیگر با همت و تلاش والای خود ثابت کردند که در تمامی عرصه‌ها می‌توانند حضوری چشمگیر داشته و سرآمد باشند. در همین رابطه بهمن ماه سال جاری ۴ نفر از دانشجویان شاهد و ایثارگر در قالب تیم‌های تنیس روی میز و شطرنج به مسابقات سراسری دانشگاهها اعزام شدند.

آقایان علی کمالی و محمود قادری با تیم ۴ نفره تنیس روی میز و فخرالدین نادری و مهدی ایمان پور با تیم شطرنج دانشگاه به این مسابقات اعزام شدند. شهرستان شاهرود میزبانی مسابقات تنیس و شهرستان زاهدان میزبانی مسابقات شطرنج را بر عهده داشت. شایان ذکر است آقای علی کمالی در رشته تنیس روی میز مقام سوم انفرادی را در بین دانشگاههای کشور کسب نمودند.

گزارش اردوی زیارتی مشهد

دانشجویان شاهد و ایثارگر امسال اربعین حسینی را در جوار بارگاه ملکوتی حضرت ثامن الحجج علی بن

وکیل، حضرت شاه چراغ و دروازه قرآن بازدید به عمل آمد و پس از وداع آخر و زیارت حضرت شاه چراغ و همچنین برگزاری دعای کمیل مرحله دوم اردو که سفر به شهر زیبای اصفهان بود آغاز شد. پس از ورود به اصفهان شرکت کنندگان اردو در مجموعه باغ طوبی اسکان یافتند و بعد از کمی استراحت گروه برای بازدید از اماکن دیدنی این شهر آماده شدند.



ابتدا به زیارت آرامگاه شهدای هشت سال دفاع مقدس و نثار فاتحه ای به روح پر فتوحشان و سپس دیدن باغ پرندگان، تخت فولاد، مسجد شیخ لطف الله، منار جنبان، مسجد ارم، سی و سه پل، عالی قاپو، میدان امام، پل خواجه و بازار و صرف شام اعضای شرکت کننده در اردو جهت بازگشت به تهران به سمت ایستگاه راه آهن حرکت کردند.

در ساعت ۲۳/۳۰ دانشجویان با خاطراتی خوش و به یاد ماندنی و روحیه ای تازه اصفهان را به مقصد تهران ترک کردند.

موسی الرضای (ع) برگزار نمودند.

ساعت ۱۵ روز چهارشنبه ۱۶ اسفند، ۳۱ دانشجوی دختر و ۲۷ دانشجوی پسر به همراه تنی چند از مسئولین ستاد شاهد و ایثارگر، این اردوی ۴ روزه را از ایستگاه راه آهن تهران آغاز نمودند. پس از طی مسیر و رسیدن به مشهد مقدس، دانشجویان در هتل ادیس اسکان یافته و بلافاصله جهت عرض ادب و احترام به خدمت آن امام معصوم شرفیاب شدند تا ضمن زیارت حرم مطهر حضرت رضا (ع)، اربعین شهادت سید و سالار شهیدان، امام حسین (ع) را به سوگ نشینند. این سفر عرفانی تا بعد از ظهر شنبه ۱۹ اسفند برابر با ۲۰ صفر به طول انجامید و دانشجویان ضمن برخورداری از معنویات این سفر خاطرات خوشی را برای خود رقم زده و مشهد را به مقصد تهران ترک گفتند.

گزارش اردوی اصفهان و شیراز

پس از سپری شدن امتحانات پایان ترم دانشجویان شاهد و ایثارگر به منظور ایجاد طراوت و نشاط و رفع خستگی پس از امتحانات، ستاد شاهد و ایثارگر اردوی ۴ روزه ای را به مقصد شهرهای اصفهان و شیراز برگزار نمود. اردو از تاریخ ۸۵/۱۱/۱۷ لغایت ۸۵/۱۱/۲۱ به استعداد ۴۰ دانشجوی دختر به همراه ۳ نفر از مسئولین ستاد برگزار شد.

این اردو از شهر شیراز آغاز گردید. طی دو روز اقامت در این شهر از اماکن فرهنگی، تاریخی، باستانی، سیاحتی و زیارتی همچون باغ و موزه نارنجستان، آرامگاه سعدی و حافظ، باغ ارم و دلگشا، آرامگاه خواجه، ارگ کریم خان زند، تخت جمشید، بازار

بررسی ابعاد فنی و سیاسی برنامه هسته‌ای ایران

اولین کارگاه آموزشی ابعاد فنی و سیاسی برنامه هسته ای ایران به همت قطب علمی مطالعات خاور میانه و جهانی شدن و با حضور آقایان دکتر آقامیری، دکتر مینوچهر، دکتر شهریاری و پروفسور محسن مسرت در محل دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی برگزار شد. مدیرکل امور سیاسی و بین‌المللی در کارگاه آموزشی "بررسی ابعاد فنی و سیاسی برنامه هسته ای ایران: وضعیت موجود و دورنما" ضمن بیان تاریخچه ای از دستیابی به انرژی هسته ای در جهان گفت: آینده دنیا به سمت گیری به سوی انرژی هسته ای است و این جریانی است که ما اکنون آن را در کشورهای نظیر مالزی، ترکیه، اندونزی و مصر شاهد هستیم. حمید بعیدی نژاد با بیان این مطلب که مسئله استفاده از انرژی هسته ای به عنوان یک چالش برای نظام بین‌الملل تبدیل شده است افزود: یکی از نگرانی‌های عمده در رابطه با ایجاد ترتیبات جدید در چرخه سوخت امکان استفاده کشورهای دارنده تکنولوژی در مصارف نظامی است. نگرانی کشورهای در حال توسعه نظیر برزیل و آفریقای جنوبی در رابطه با تقسیم بندی کشورهای جهان به دارنده چرخه سوخت هسته ای و کشورهای فاقد آن از دیگر چالشهای جهانی مسئله دستیابی به این نوع انرژی بوده است که از سوی مدیرکل امور سیاسی و بین‌المللی عنوان شد. وی تاکید کرد: یکی از انتقاداتی که به NPT وارد است تبعیض آمیز بودن برخورد آن با کشورهای عضو است. در همین رابطه وی اظهار داشت: با اینکه در این معاهده بر کمک به کشورهای عضو در دستیابی به این انرژی به

صورت صلح آمیز تاکید شده است اما در مسئله ایران و با وجود بازرسی‌های مداوم آژانس از مراکز هسته ای ایران و تایید صلح آمیز بودن این فعالیتها در رابطه با ادامه این فعالیتها مخالفت به عمل می‌آید.

اخبار استادشاهد و ایثارگر

حضور دانشجویان شاهد و ایثارگر در تیم منتخب دانشگاه اوزارامیه مسابقات سراسری دانشگاه

دانشجویان شاهد و ایثارگر بار دیگر با همت و تلاش والای خود ثابت کردند که در تمامی عرصه‌ها می‌توانند حضوری چشمگیر داشته و سرآمد باشند. در همین رابطه بهمن ماه سال جاری ۴ نفر از دانشجویان شاهد و ایثارگر در قالب تیم‌های تنیس روی میز و شطرنج به مسابقات سراسری دانشگاه‌ها اعزام شدند. آقایان علی کمالی و محمود قادری با تیم ۴ نفره تنیس روی میز و فخرالدین نادری و مهدی ایمان پور با تیم شطرنج دانشگاه به این مسابقات اعزام شدند. شهرستان شاهرود میزبانی مسابقات تنیس و شهرستان زاهدان میزبانی مسابقات شطرنج را بر عهده داشت. شایان ذکر است آقای علی کمالی در رشته تنیس روی میز مقام سوم انفرادی را در بین دانشگاه‌های کشور کسب نمودند.

گزارش اردوی زیارتی مشهد

دانشجویان شاهد و ایثارگر امسال اربعین حسینی را در جوار بارگاه ملکوتی حضرت ثامن الحجج علی بن

گزارش سفر دوازده جمعی از اساتید و دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی به استان خوزستان

جناب آقای رویور مدیر کل روابط عمومی ارائه شد و هدایایی به مهمانان اهداء گردید. متقابلاً هدایای دانشگاه که شامل چند جلد کتاب بود به میزبان تقدیم شد. سپس فیلمی از فعالیتهای شرکت به نمایش گذاشته شد. پس از آن اعضای گروه به وسیله یکدستگاه اتوبوس مجهز به مسجد سلیمان عزیمت کردند و در آنجا از چاه شماره (۱) که به موزه تبدیل شده، ساختمان قدیمی تاسیسات بهره برداری و پالایشگاه که متروکه شده و قرار است به موزه تبدیل شود و چشمه‌های جوشان نفت و گاز در یکی از محله‌های شهر، بازدید شد و در انتها از معبد باستانی "سر آتشکده" دیدار به عمل آمد. در مسیر بازگشت، بند شوشتر که از آثار دوره ساسانی است مورد بازدید قرار گرفت.

پس از صرف شام در هتل تا ساعت ۲۴ اعضای گروه به گفت‌وگو درباره مشاهدات آن روز پرداخته و چگونگی مسائل ملی، اقتصادی سیاسی را مورد بحث و بررسی قرار دادند. روز دوم ساعت ۸/۵ از هتل حرکت



در این سفر ۶ نفر از اساتید رشته‌های اقتصاد، علوم سیاسی، مدیریت و علوم به همراه ۲۲ نفر از دانشجویان علوم سیاسی حضور داشتند. این دانشجویان در رابطه با درسهای "مسائل اقتصادی و سیاسی نفت ایران" و "تجزیه و تحلیل مسائل جنگ ایران و عراق" برای این بازدید انتخاب شده و گزارش توصیفی و تحلیلی که در این رابطه تهیه و ارائه خواهند نمود بخشی از نمره نهایی امتحان آنان خواهد بود.

پرواز رفت روز سه شنبه ۸۵/۱۰/۱۱ ساعت ۶/۴۵ انجام شد و در فرودگاه اهواز آقای عسگری نماینده روابط عمومی شرکت ملی مناطق نفت خیز با استقبال از گروه آنها را به دفتر مرکزی راهنمایی کردند. در سالن کنفرانس توضیحاتی درباره مناطق نفت خیز توسط

فصلنامه سعادشاهد و لیاگر

۲۰

دانشگاه شهید بهشتی
شماره هشتم
زمستان هشتاد و پنج

نماز و صرف نهار، هیئت عازم خرمشهر، این کلید استراتژیک جنگ تحمیلی شد و در حد محدود از خطوط نبرد و عملیات دیداری به عمل آورد. سرانجام در آخرین قسمت سفر گروه اعزامی، میهمان کارکنان بسیار صمیمی و خونگرم پالایشگاه آبادان بود که ضمن بیان وضعیت کنونی آن که روزانه تولید ۴۰۰ هزار بشکه انواع فرآورده با ارزش تقریبی سالیانه قریب ۱۵ میلیارد دلار دارد، سمبل مقاومت و سازندگی ایام جنگ و پس از آن بوده است.

به این ترتیب اساتید و دانشجویان یک چرخه کامل تاریخی و صنعتی از سازمان نفت را مشاهده و مطالعه کردند. از مسجد سلیمان که میداد تولید است تا آبادان که مقصد نفت خام و پالایش و صادرات به جهان است از سکوی حفاری و کارخانه بهره برداری در "بالا دستی" تا پالایشگاه که آخرین مرحله مهم "پائین دستی" است.

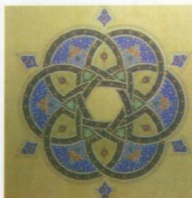
در تمام مراحل بازدید کتاب‌هایی از مجموعه گنجنامه دانشگاه شهید بهشتی به میزبانان تقدیم شد و بحث و گفت‌وگو و پرسش و پاسخ در فضایی کاملاً نقادانه و بسیار صمیمی برگزار گردید. این رولازم است که در درجه اول از موسسه مطالعات بین‌المللی، بخصوص ریاست محترم آن آقای دکتر زارعی که واسطه خیر بوده و امکان این بازدید را فراهم آوردند و همچنین از مدیرکل روابط عمومی مناطق نفت خیز جنوب، جناب آقای رویور و همکاران عزیز شان بخصوص آقای عسگری که زحمت هماهنگی و تدارک این امر را متقبل شدند صمیمانه تقدیر و تشکر نموده و برای همه آنان از درگاه الهی توفیق و سلامتی مسئلت نماییم.

کرده و ابتدا از کارخانه بهره برداری نفت و گاز اب تیمور با ظرفیت روزانه ۴۳۰۰۰ بشکه واقع در جنوب غرب اهواز بازدید نمودند. منطقه مزبور تا قبل از فتح خرمشهر تقریباً در خط مقدم جبهه و جنگ بوده در حالی که امروزه این کارخانه دورافتاده در جبهه اقتصادی و اقتدار سیاسی، سالانه تولیداتی به ارزش قریب یک میلیارد دلار برای کشور دارد. یکی از کارکنان فنی کارخانه دانشجوی سال چهارم رشته علوم سیاسی دانشگاه آزاد اهواز بود و این امر هیجان دانشجویان را برانگیخت و برای آنها جالب توجه بود.

یکی از جالبترین و هیجان انگیزترین قسمتهای این سفر بازدید از سکوی حفاری اکتشافی در همان منطقه بود که قریب ۲۰ ماه از شروع کارش می‌گذرد و قرار است ظرف چند ماه آینده نتیجه نهایی فعالیت آن به عنوان اکتشافات جدید و ذخیره‌های نوین نفت و گاز رسماً اعلام شود. این محل نقطه ای است که طبیعت و تمدن، صنعت و جغرافیا مستقیماً جلوه گری می‌کنند و شکوه و عظمت هر دو حوزه به تمام و کمال در مقابل چشمان انسان تمدن ساز و طبیعت سوز آشکار می‌شود. علاوه بر احساس افتخار و غرور ملی که هیئت دانشگاه شهید بهشتی از مشاهده تلاش کارکنان شرکت ملی حفاری در شرایط سخت اقلیمی، بدست آورد معلوم شد که دانشگاه ما در رابطه با مسائل زیست محیطی در حال اجرای یک طرح در این حوزه بوده و یکی از فارغ التحصیلان کارشناسی ارشد دانشکده علوم این دانشگاه در همین رابطه در آنجا حضور دارد. سپس کارکنان عزیز و شریف سکوی حفاری در محل استراحتگاه خود از بازدید کنندگان پذیرایی گرمی به عمل آورده و پس از اقامه



درمنازنا



جبر زمان و مسأله عدالت

یکی از کلماتی که حتماً زیاد به گوش شما خورده است و در نوشته‌ها و کتابها زیاد دیده اید، کلمه (جبر زمان) است. مقصود از جبر زمان این است که عللی که در زمان پیدا می‌شود، حوادثی که رخ می‌دهد روی اجبار است و باید رخ بدهد، تخلف ناپذیر است. آیا جبر زمان حرف درستی است یا نه؟ جبر زمان را دو گونه می‌شود تفسیر کرد. یک گونه آن درست است و گونه دیگر نادرست. اما آنکه درست است: جبر زمان یک مفهوم بسیار کلی فلسفی دارد به این معنی که هر حادثه‌ای که در عالم رخ می‌دهد (نه فقط در خصوص اجتماع انسانی) طبق یک حوادثی است که آن حوادث تخلف ناپذیر است. یعنی هر حادثه‌ای در این دنیا علت دارد و بدون علت به وجود نمی‌آید.



فصلنامه استادشاهد ولیفازگر

۲۲

دانشگاه شهید بهشتی
شماره هشتم
زمستان هشتاد و پنج

فلسفی وارد بشود می‌بیند این امر جزء محالات است و مثل این است که کسی بگوید در اعداد که از یک شروع می‌شود و تا بی نهایت پیش می‌رود، چه مانعی داشت که عدد سه به جای عدد هفت می‌بود و عدد هفت به جای عدد سه.

انسان می‌بیند این فکر معقول نیست. عدد سه وقتی عدد سه است که در همین جایی که هست باشد. یعنی بین دو و چهار باشد. اگر عدد سه بیاید بین شش و هشت قرار بگیرد، دیگر عدد سه نیست، همان عدد هفت است. یعنی نمی‌شود ذاتش محفوظ باشد و جایش عوض بشود. اگر جایش عوض بشود دیگر ذاتش هم آن ذات نیست. این یک بحث فلسفی است که من چاره نداشتم و مجبور بودم که در این جا عنوان بکنم. به این معنی و مفهوم که اگر کسی بگوید "جبر زمان" حرف درستی است. ولی اینهایی که می‌گویند "جبر زمان" مفهوم دیگری است از بیان تعبیر در نظر دارند و آن مفهوم غلط است. چنان جبر زمانی ما نداریم. آن چیست؟

افرادی در دنیا بوده‌اند که هم راجع به جهان و هم راجع به انسان مادی فکر می‌کرده‌اند. یعنی برای جهان ماده مبدایی غیر مادی قائل نبوده‌اند و تمام این دنیا در نظر آنها یک ماشین بیشتر نبوده است، و نیز انسان را اخلاقاً یک موجود مادی می‌دانسته و می‌دانند به این معنی که محرک انسان در تمام کارهایی که انجام می‌دهد، هدفهای مادی است یعنی انسان هر کاری را به هر صورتی که انجام می‌دهد، از انجام آن یک هدف مادی دارد و می‌خواهد با انجام آن معاش خودش را تامین بکند. مثلاً انسان عبادت می‌کند و از عبادت خودش لذت می‌برد.

آیا می‌شود در دنیا حادثه‌ای به وجود بیاید که علت نداشته باشد؟ نه، این از محالات عقلی است که حادثه‌ای بدون علت به وجود بیاید حکمای قدیم قاعده‌ای دارند، می‌گویند: "الممكن مخفوف بالضر و رتین و بالامتنا عین" اجمال یک قسمت از این جمله همین است که هر حادثه‌ای در ذات خودش ممکن الوجود است، یا دو تا ضرورت او را فرا گرفته است یا دو تا امتناع. اگر وجود پیدا بکند در وقتی است که دو تا امتناع (ناشدنی) آن را احاطه کرده است. این ضرورت و اجتناب ناپذیری حتماً وقت را هم تعیین می‌کند (به اصطلاح، ضرورت وقتی) یعنی هر حادثه‌ای در زمانی که وجود پیدا می‌کند باید در همان زمان وجود پیدا بکند و محال است که در زمان دیگر وجود پیدا کند. چنانکه می‌گویند: "الامور مرهونه باوقاتها" امور اشیاء در گرو خودشان هستند.

قرآن کریم راجع به فرا رسیدن مهلت امتهای می‌فرماید: "فاذا جاء اجلهم لا يستاخرون ساعة و لا يستقدمون" آنگاه که مدت اینها به پایان می‌رسد، نه ساعتی از آن وقت عقب می‌افتند و نه ساعتی جلو. از نظر قانون فلسفی این مطلب یعنی جبر زمان و به اصطلاح فلاسفه ضرورت وقتی که هر چیزی در وقت خودش ضرورت دارد و در غیر وقت خودش امتناع دارد، مطلب درستی است. ما خیلی از مطالب را بر حسب تصور و فرض خودمان می‌گوئیم چون حساب عالم در دست ما نیست اما اگر حساب عالم در دست ما باشد، به عقل خودمان می‌خندیم و مثلاً نمی‌گوئیم چه مانعی داشت که من در زمان سعدی می‌بودم و سعدی در زمان من. در فکر اولیه انسان هیچ عیبی ندارد. اما اگر کسی به حسابهای دقیق

انجام می‌گیرد. جبر زمانی که اینها می‌گویند یعنی جبر اقتصادی، اعراب به ایران حمله کردند. چرا؟ علت اقتصادی داشته است؟ نه، تاریخ خلاف این را می‌گوید. تاریخ می‌گوید جنگ اینها جنگ عقیده بود، جنبه عقیدتی داشت. خودشان می‌گفتند باید بت پرستی در دنیا نباشد ولی مذاهب دیگر که مذاهب خدا پرستی است آزاد باشد، گفت ما آمده‌ایمکه: لَنُخْرِجَ عِبَادَ اللَّهِ مِنْ عِبَادَةِ النَّاسِ إِلَى عِبَادَةِ اللَّهِ آمَدَه‌ایم بندگان خدا را از بندگی افراد بشر آزاد کنیم، همه را بنده خدا بکنیم. این جنگ ریشه عقیدتی داشت. از نظر کسانی که تاریخ را این طور مادی تفسیر می‌کنند، عدالت مفهومی ندارد.

جامعه مثل بدن انسان به اعتدال نیاز دارد. البته اعتدال هم یک حد معینی ندارد و به اصطلاح عرض عرض دارد یعنی در وسط نوسان دارد. اگر درست در وسط باشد، اعتدال کامل است. هر چه به این طرف یا آن طرف برود، اعتدال کمتر می‌شود و به جایی می‌رسد که دیگر مردن است. اما این وسطها هر طور باشد زندگی است. هر چه اعتدال کامل تر باشد، سلامت بیشتر است در ترکیب اجتماع هم همینطور است.

ما معتقدیم که زمان تکامل پیدا می‌کند ولی به سوی عدالت و اعتدال. خودش می‌رود نه اینکه علل اقتصادی بخواهد دنیا را عوض کند علل اقتصادی یکی از علل موثر در کار بشر می‌باشد. یعنی در زندگی بشر عوامل زیادی باید وجود داشته باشد، یکی از آنها عوامل اقتصادی است. این عوامل هم باید به یک نسبت معین وجود داشته باشد. اگر آن نسبت محفوظ باشد، جامعه، سالم است و اگر نباشد، جامعه بیمار است.

خدایا عاقبت امر ما را ختم به خیر کن.

اسلام و مقتضیات زمان استاد شهید مرتضی مطهری

آیا از این عبادت هدف مادی دارد؟ ممکن است کسی بگوید مادیات را در آخرت می‌خواهد؟ ولی همه که اینطور نیستند. عارف که برای خرد و اجر عبادت نمی‌کند. الهی! ما عَبَدْتُكَ خَوْفًا مِنْ نَارِكَ وَ لَا طَمَعًا فِي جَنَّتِكَ بَلْ وَجَوْتُكَ أَهْلًا لِلْعِبَادَةِ. آنهايي که انسان را از نظر اخلاقی به شکل مادی تفسیر می‌کنند می‌گویند هر کاری که بشر می‌کند در آن کار هدف مادی دارد. بنابراین من که اینجا برای شما حرف می‌زنم، هدفی جز هدف مادی ندارم. شما هم که دارید گوش می‌کنید هدفی جز هدف مادی ندارید و نمی‌توانید داشته باشید.

اینها (مادیون) می‌گویند نه تنها مایه عشق آدمی شکم است بلکه مایه فکر آدمی هم شکم است، مایه احساسات آدمی هم شکم است. اینها اصلاً فکر اصالت فکر و عقل و دل و احساسات هستند. یعنی اصلاً انسان از نظر اینها یعنی شکم.

البته امروزه در دنیا این فکر در حال شکست خوردن است (از اول هم شکست خورده بود) یعنی حتی مادی مسلک‌ها هم دیگر چندان به این حرف اعتنایی ندارند.

بعدها مکتب مادی دیگری پیدا شد و حرف دیگری زد. «مارکس» و دیگران گفته بودند مایه همه چیز و مایه تجلی تمام تجلیات بشر شکم است. «فروید» این روانشناس اطریشی آمد و یک فرضیه دیگری آورد، گفت نه، مبدأ تمام فعالیت‌های انسان امور جنسی است. امور مادی و شکمی را هم انسان برای امور جنسی می‌خواهد. توده‌ای‌های دنیا هم می‌گویند همه کارهای انسان تحت تاثیر علل اقتصادی است همه چیز به خاطر هدفهای اقتصادی و تحت تاثیر علل اقتصادی

برای پدرم

میوه سحر

چه عجب شد که یاد ما کردی
لب ما را به خنده وا کردی
خانه بی تو چقدر غمگین بود
خانه را شاد و با صفا کردی
چه شد اینجا گذار تو افتاد
گذری هم به نا کجا کردی
مگر اینجا چقدر تنگت بود
که دلت را از آن رها کردی
و شبی شهر در عزای تو شد
و تو خود را ز ما جدا کردی
سر هر کوچه سوگوارانت
حجله هایی که در عزا کردی
فکر پرواز در تو روشن بود
که شبی تا سحر دعا کردی
و سحر میوه داد، سیبی سرخ
گفتگویی که با خدا کردی
شهد پرواز نوش جانانت باد
توهمانی که ادعا کردی
چون کبوتر پریدی از این بام
چه شد امشب که یاد ما کردی
بی و سر و دست و پای برگشتی
رسم دل را چه خوش ادا کردی

فاطمه پروانه اسدی

فرزند شهید فرامرز پروانه اسدی (دانشجوی شهید شانه علوم اجتماعی دانشگاه شهید بهشتی)

ما باید دوباره نوید علم را به دنیا بدهیم

گفت‌وگو با دکتر محمد مهدی تهرانچی

معاونت پژوهشی و فناوری دانشگاه شهید بهشتی

رقیه‌افسری

دکتر محمد مهدی تهرانچی دکتری فیزیک حالت (جامد) از انستیتو فیزیک یک تکنولوژی مسکو، معاونت پژوهشی و فناوری دانشگاه و دانشیار دانشکده علوم می‌باشند. از آقای دکتر که با وجود مشغله فراوان این گفت‌وگو را پذیرفتند سپاسگزاریم.

■ لطفاً ضمن معرفی خودتان از سوابق تحصیلی و مسئولیت خود در دانشگاه بگوئید.

بنده محمد مهدی تهرانچی متولد سال ۴۴ می‌باشم. در سال ۶۲ در رشته فیزیک دانشگاه شهید بهشتی پذیرفته شدم و سال ۶۸ د راولین دوره کارشناسی ارشد همین دانشگاه گرایش فیزیک حالت جامد ادامه تحصیل دادم. تا اینکه در سال ۷۲ برای گذراندن دوره دکتری به کشور روسیه اعزام و در انستیتو فیزیک تکنولوژی مسکو در همین گرایش مشغول به تحصیل شدم. در سال ۷۶ پس از اخذ مدرک دکتری و فارغ التحصیلی به کشور بازگشته و در دانشگاه مشغول خدمت می‌باشم در اواخر آن سال معاون اجرایی دانشکده علوم بودم. سال ۸۱ از



فصلنامه استادشاهد و پناگر

۲۶

دانشگاه شهید بهشتی
شماره هشتم
زمستان هشتاد و پنج

پیامبر خدا(ص) از جنگ باز می‌گشتند و جنگ به پایان رسیده بود به اصحاب و یاران خود فرمودند: بر شما باد جهاد اکبر. یاران حضرت گفتند: ما که در جهاد اکبر بودیم. ایشان در جواب فرمودند: خیر. جهاد اکبر مبارزه با نفس است.

واقعیت این است که اگر انسان در مقوله جهاد اکبر، تربیت نفس خودش را در مسیر و کانال حق طلبی و حق خواهی نگه دارد خودش را نبیند و افق دیدش را بلند نگه دارد بالطبع در اینجا ایثارگری مطرح می‌شود.

جایی که انسان پا روی امیال خودش می‌گذارد و در راه خدا و آن هدف مقدس گام بر می‌دارد و انجام وظیفه می‌کند ایثار کرده. حالا برگردیم ببینیم چه چیزی لازم است. من همیشه پیش دوستان می‌گویم که جنگ مثل کوره آهنگری بود. وقتی که آهن را درونش می‌گذاریم سرخ می‌شود، خودش را نشان می‌دهد و چشم را می‌زند و همه می‌توانند آن را ببینند. در هر صورت آهن قبل و بعدش آهن است. ما وقتیکه می‌گوییم ایثارگری به جنگ برمی‌گردیم، به لحاظ اینکه جنگ خصوصیتش این است که مثل کوره آهن را سرخ می‌کند تا لگو سرخی اش را می‌توانیم ببینیم. در همین راستا اگر در حقیقت تعریف درستی از این واژه داشته باشیم در هر لحظه مفهوم ایثارگری می‌تواند خودش را نشان دهد.

■ علم را چگونه تعریف می‌کنید؟

ما در جهان هستی چیزی به نام علم داریم و چیزی به نام دانشگاه. دانشگاه به عنوان حلقه واسطی میان علم و جامعه به وجود آمد و ماموریت اصلی اش در یک مقطعی ترویج این علم بود. وقتیکه در دوران قبل از انقلاب ما چیزی داشتیم به عنوان مدرسه عالی و افرادی که تربیت می‌شدند در حد کارشناس بودند. آنچه که

مرتبه استاد یاری به دانشیاری ارتقاء پیدا کردم و از سال گذشته معاونت پژوهشی دانشگاه را عهده دار می‌باشم، سه سال معاونت تحصیلات تکمیلی دانشکده علوم بودم و بعد به مدت ۲ یا ۳ سال هم معاون پژوهشی پژوهشکده لیزر در خدمت دکتر لطیفی انجام وظیفه نمودم. و تا به حال ۲۰ دانشجوی ارشد و ۲ دانشجوی دکتری داشته‌ام و هم اکنون هم در گروه فیزیک و لیزر تعدادی دانشجوی ارشد مشغول به تحصیل دارم.

■ در مورد سابقه حضورتان در جبهه کمی صحبت کنید.

مثل اکثر هم سن و سال‌های خودم، اولین باری که پایم به جبهه باز شد سوم دبیرستان بودم در منطقه مهران - شلمچه و عملیات رمضان که تیری از قضا رفت و از ناحیه سر مجروح شدم. بعد از عملیات محرم در منطقه نیز خمپاره ای فرود آمد و دوباره مجروح شدم. و از بقیه موارد حضور در جبهه‌ام مربوط می‌شود به دوران دانشجویی. در عملیات‌هایی نظیر والفجر ۸، والفجر ۱۰، و کربلای ۵ در منطقه غرب توفیق حضور داشتم.

■ اگر ممکن است در رابطه با مقوله ایثارگری نکاتی

رایان کنید؟

در هر مرحله ای چه دوران قبل از انقلاب یا دوره‌های دیگر این بحث مطرح بوده. مثلاً قبل از انقلاب زمانیکه من راهنمایی بودم حضور افراد را در آن جریان‌ها می‌دیدم. همه اینها یک چیزی دارد، یک جوهره اصلی یعنی اگر آدم بتواند وظیفه اصلی خودش را در مقابل خدا انجام دهد و به خاطر هدفهای عالی از خودش بگذرد، این می‌شود ایثارگری. حالا اگر ما بخواهیم در این زمان هم آن نسخه را بپیچیم به هر حال الان هم زمینه‌هایی فراهم می‌باشد. مثلاً زمانیکه

اگر آدم بتواند
وظیفه اصلی
خودش را در مقابل
خدا انجام دهد و
به خاطر هدفهای
عالی از خودش
بگذرد، این می‌شود
ایثارگری

می‌نویسیم تکیه ما در گردآوری مطالبی است که دیگران گفته‌اند. روی این حساب دانشگاه‌ها باید این معنا و وظیفه اصلی خود را پیدا کنند. و ما می‌بینیم که دوره تحصیلات تکمیلی که به برکت انقلاب به وجود آمد نقش جدی در این قضیه داشته است. حالا دانشجویی که وارد دانشگاه می‌شود سهم او نیز در این سیر تحولی مشخص است. دانشجویی که صرف فراگیری می‌آید در واقع باید به یک مدرسه عالی برود. چیزی که در کشورهای خارجی تحت عنوان کالج مطرح است. در کالج فراگیری وجود دارد در صورتیکه در دانشگاه چیزی تولید می‌شود.

■ نظر تان در مورد صحبت‌های رئیس جمهور پیرامون بومی کردن علم چیست؟

ما فراتر از صحبت‌های رئیس جمهور فرمایشات مقام معظم رهبری را حداقل در چند سال گذشته داشته‌ایم. بحث نهضت نرم‌افزاری، اهتمام پژوهش، نظریه پردازی، سند توسعه و... که در حقیقت بحث‌های جدی می‌باشند. به هر حال علم خودش یک فرآیند لوکال (بومی) نیست.

منتهی آن چیزی که در بومی کردن معنا دارد این است که اگر ما در این بنگاهی که علم تولید می‌کند سهام دار بشویم به این معنی است که ما هم به عنوان یک خاستگاه باتوجه به داده‌هایی که خودمان تولید می‌کنیم حرف می‌زنیم. داده‌هایی که از محیط پیرامون خودمان به دست می‌آید. غرب یک سری نظریه می‌دهد و از یک سری داده‌ها استفاده می‌کند. داده‌های ما داده‌هایی است که بخش اعظم آن از لابراتوارهای خودمان به دست می‌آید. حالا این آزمایشگاه می‌تواند به شکل یک اتاق باشد یا یک جامعه. منتهی نقد و بررسی نظریه پردازی چیزی است که در سطح بین‌المللی مطرح می‌شود و

دانشمندان در جهان به عنوان علوم کسب کرده بودند، مروجش بودند و آن را به این دانشجویان یاد می‌دادند. بعد از انقلاب یک اتفاقی در کشور افتاد و دانشگاه وارد بحث پژوهش شد. پژوهش در معنای واقعی خود یعنی تلاش برای تولید علم و ما آمدیم در تولید علم سهم پیدا کردیم. تولید علم، تولید داده‌های علمی، نقد و بررسی تا نظریه پردازی یک زنجیره است. قسمتی از این زنجیره در حقیقت همان پژوهش است. پژوهش فعالیت است که ما از بسم!... تولید علم تا انتهای زنجیره مذکور انجام می‌دهیم. و اینکه چقدر این فعالیت را عمیق جلو رفته‌ایم جای سوال دارد. حالا که کرسی‌های نظریه پردازی هم دارد مطرح می‌شود و مسلماً در یک یادو فرآیند پژوهشی به‌طور کامل معنا پیدا می‌کند. و بعد از زنجیره ای که به آن اشاره کردم تازه می‌رسیم به کرسی‌های نظریه پردازی که بدون مقدمه نیز حاصل نمی‌شود. جاهایی ما این را نداریم. در حقیقت در جاهایی ما در گام اول متوقف شده‌ایم. وقتی که به فعالیت‌هایمان نگاه می‌کنیم یا به مجموعه آثارمان نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که مرتباً داده‌های علمی تولید کرده‌ایم و این داده‌ها بالاخره باید جایی مصرف شود. به هر حال ما در آغاز راهیم.

حدوداً یک ربع قرن از پژوهش در کشور ما می‌گذرد. در حقیقت یک جوان ۲۵ ساله است که در مقابل یک سیستم ۲۰۰ ساله به آن نگاه می‌کنیم. حالا در علمی که نتیجه پژوهش است بحث کرسی‌های نظریه پردازی به میان می‌آید و آموزش این علم که ما حاصل پژوهش خود سیستم است و در آن موقع افرادی پیدا می‌شوند چیزی را آموزش دهند که عمده‌اش محصول و دست یافته خودمان است. در غرب وقتیکه کسی کتاب می‌نویسد مرجع می‌دهد. به مراجعی که خودش در جریان سیر تکوین آن مطالب نقش داشته است. وقتی که ما کتاب

دست به دست هم دهیم و دانشگاه را به سمت و سوی هدایت کنیم که جایگاه واقعی خود را باز یابد.

■ از دانشجویان به ویژه دانشجویان شاهد و ایثارگر چه انتظاری دارید؟

دانشجویان باید به این بیندیشند که وارثان چه کسانی هستند. آنها وارثان مردان بزرگی هستند که با جان فشانی و ایثار کار بزرگی کردند. برای مملکت خود افتخار آفریدند. اینها هم باید ادامه دهنده راه آن بزرگ مردان باشند و در سنگر علم و دانش غرور آفرین باشند و برای کشور خودشان افتخار کسب کنند و رهروان خوبی برای شهدا و ایثارگران باشند تا باز هم بتوانیم همچون گذشته در جهان پرچم دار علم و دانش باشیم.

■ حرف آخر

امیدوارم همه به این نکته توجه کنیم که کشورمان صاحب تمدن غنی و کهن ایران اسلامی است و باید با تکیه بر این باور که ما می‌توانیم باز هم در مسیر پیشرفت حرکت کنیم، همچون گذشته در زمینه علم و دانش قدرت برتر جهان باشیم و تمامی تلاش و هم و غممان در این جهت باشد تا بتوانیم در سطح بین‌المللی حرفی برای گفتن داشته باشیم. همانطور که می‌دانیم در حال حاضر از نظر رتبه بندی دانشگاه‌ها، جایگاه کشورمان در سطح جهانی قابل قبول نمی‌باشد و این خودش جای بحث مفصلی دارد. و ما باید به جایی برسیم که رژیم صهیونیستی را پشت سر گذاشته و رتبه برتر را حداقل در منطقه کسب نمائیم. و بتوانیم دانش و تکنولوژی را از دست قدرتهای استکباری خارج کرده و جهت اعتلای اسلام و ایران گامهای بلندی را ان شاء... برداریم.

نافذ است. ما معتقدیم که صاحب تمدن ایران اسلامی هستیم. در قرن گذشته پرچم علم در اینجا برافراشته بود و دوباره می‌خواهیم پرچم را همین جا بیافرازیم. ما باید دوباره نوید علم را به دنیا بدهیم و بگوییم که باز هم می‌توانیم مثل گذشته نظر و اندیشه داشته باشیم.

■ مدیریت دانشگاهی را چگونه می‌بینید؟

مدیریت دانشگاهی دو بحث دارد یک مدیریت آموزشی و دیگری مدیریت پژوهشی. در دانشگاه دو فرآیند صورت می‌گیرد. آموزش و پژوهش. تجربه مادر مدیریت آموزش به لحاظ اینکه ما از دارالفنون شروع کردیم بیشتر است. و ما یک نوع خبرگی را در مدیریت آموزشی پیدا کرده‌ایم. ولی مدیریت پژوهشی مدیریتی است که ما خیلی در آن جوان هستیم. و قدرتهای برتر در این زمینه به راحتی آن را به ما نمی‌دهند چون بحث پژوهش یک روی سکه‌اش استراتژیک است. چرا که به دنبال کسب دانش توان می‌آید. دانشی که در تولید علم سهم داشته باشد توان می‌آورد و همین باعث می‌شود که نتوانیم آن را به راحتی کسب کرده و در کشورمان اعمال کنیم و اینجا تلاشی همه جانبه را می‌طلبید که در این زمینه پیشرفت و ترقی بیش از پیش داشته باشیم.

■ در حوزه مسئولیت خودتان چه رویکردی دارید؟

رویکرد من در بخش پژوهش و فناوری مبتنی بر فکر جمعی است و هدفم این است که از طریق مشارکت جمعی و فکر گروهی می‌توان به اهداف مورد نظر دست یافت و خودم هم سعی می‌کنم از طریق تشریک مساعی و همفکری با سایر همکارانم در دانشگاه وظایفم را به انجام برسانم و از آنها نیز انتظار دارم با این تفکر جلو آمده و با همین روحیه همکاری

در قرن گذشته
پرچم علم در اینجا
برافراشته بود و
دوباره می‌خواهیم
پرچم را همین جا
بیافرازیم



مریم اکافان / دانشجوی رشته شیمی

جرئت مند بودن چیست؟ چگونه جرئت مند شوید؟ انواع جرئت مندی کدامند؟

■ چه چیز باعث می شود مردم از جرئت مند بودن اجتناب ورزند؟

اکثر مردم به دلیل ترس از ناراحتی دیگران و از دست دادن دوستی آنها، از جرئت مندی دست می‌شویند. معیذاً هر چند ممکن است شما با کنارگذاشتن جرئت مندی از ناخرسندی های فوری و بلافاصله پرهیز کنید ولی چنین کاری در دراز مدت رابطه را به مخاطره می‌افکند و آنگاه احساس شما این خواهد بود که مرتب بهره‌هایی را از دست می‌دهید.

■ شما از چه میزان جرئت مندی برخوردارید؟

از خودتان سئوالات زیر را بپرسید:

- آیا شما احساسات و ترجیحات خود را به روشنی به دیگران بیان می‌کنید؟
- آیا شما در صورت نیاز، از دیگران کمک درخواست می‌کنید؟
- آیا شما خشم و عصبانیت خود را به نحو مناسب ابراز می‌دارید؟
- آیا وقتی متوجه نمی‌شوید سؤال می‌پرسید؟
- آیا وقتی متفاوت از دیگران فکر و احساس می‌کنید، علاقه خود را داوطلبانه بیان می‌دارید؟
- آیا شما وقتی نمی‌خواهید کاری انجام دهید می‌توانید نه بگویید؟
- آیا شما در مجموع به شیوه اعتماد آمیز، با قدرت و صلابت صحبت می‌کنید؟
- آیا وقتی با مردم حرف می‌زنید به آنها نگاه می‌کنید؟

■ یادگیری جرئت مندی به شیوه مثبت

دفاع از حقوق خود و اجازه سودجویی از این حقوق را ندادن، یک تعریف جرئت مند بودن است. جرئت مندی همچنین به معنی انتقال روشن آن چیزی است که در واقع می‌خواهید بیان کنید: احترام گذاردن به حقوق و احساسات خود و احترام گذاردن به حقوق و احساسات دیگران. جرئت مندی ابراز صادقانه و مناسب احساسات، عقاید و نیازهای شخص است. جرئت مندی اتخاذ موضع خود تحلیلی و سپس عمل است آنگاه نتایج ارزشمند حاصل می‌آید.

■ چگونه جرئت مندی از پر خاشگری متمایز می‌شود؟

پر خاشگر بودن به معنی حمایت از خود به شیوه ای است که در آن به حقوق دیگران تجاوز می‌شود. رفتار پر خاشگرانه نوعاً تنبیه گرانه، خصمانه، سرزنش آمیز و تحکم جویانه است. پر خاشگری می‌تواند تهدید، توهین و حتی تنبیه بدنی را شامل شود، نیز می‌تواند شامل ریشخند، عبارات طعنه آمیز، غیبت و ... «لغزش زبانی» شود.

■ انواع جرئت‌مندی

■ جرئت‌مندی اساسی

این نوع جرئت‌مندی، ابزار ساده و مستقیم باورها، احساسات یا عقاید شما است. این نوع جرئت‌مندی معمولاً از طریق عبارات ساده‌ای چون «من می‌خواهم» یا «من احساس می‌کنم» ابراز می‌شود.

■ جرئت‌مندی قوی

این نوع جرئت‌مندی، انتقال حساسیت‌ها به شخص دیگر است. این نوع جرئت‌مندی معمولاً شامل دوبخش است: بازشناسی موقعیت یا احساسات شخص دیگر که به دنبال آن اظهارنظری صورت می‌گیرد که در آن شما از حقوق خاص خود حمایت می‌کنید. «من می‌دانم که شما واقعا سرتان شلوغ بوده است ولی من می‌خواهم احساس کنم که رابطه‌ها برای شما مهم است. می‌خواهم شما به من و ما زمانی را اختصاص دهید.»

■ جرئت‌مندی فزاینده

این نوع جرئت‌مندی زمانی به وقوع می‌پیوندد که شخص دیگری در واکنش به جرئت‌مندی اساسی شما شکست می‌خورد و به تجاوز علیه حقوق شما ادامه می‌دهد. در نتیجه شما به تدریج جرئت‌مندی را گسترش می‌دهید و به نحو فزاینده‌ای بر رأی خود محکم‌تر تأکید می‌ورزید. در این‌گونه جرئت‌مندی حتی ممکن است شما به پاره‌ای از اعمال اشاره کنید که در صورت ادامه رفتار طرف مقابل، از شما به عنوان نتیجه بروز کند ولی اشاره به اعمال تنها پس از چند عبارت جرئت‌مندانه اساسی و پایه ارائه می‌شود. برای مثال اگر شما تا پنج بعد از ظهر فردا کارتان را روی ماشین من تمام نکنید من مجبور می‌شوم به فلان یا بهمان دفتر تجاری زنگ بزنم.

■ جرئت‌مندی از طریق گفتار با «من» آغاز شونده

این نوع جرئت‌مندی خصوصاً برای بیان احساسات منفی مفید است. این نوع جرئت‌مندی یک اظهارنظر سه بخشی را شامل می‌شود:

وقتی شما چنین و چنان کردید ... (رفتار را توصیف کنید). اثرات عبارت هستند از ... (این موضوع را که چگونه رفتار به نحو عینی و ملموس بر شما اثر می‌گذارد، توصیف کنید).

من احساس می‌کنم ... (عبارت اول شخص مفرد) را به کار ببرید تمرکز اصلی در اظهارنظرهای با «من» آغاز شونده، روی بخش «من احساس می‌کنم»، «من می‌خواهم» می‌باشد. به هنگام ابراز خشم، تمایل، غالباً بر سرزنش شخص دیگر، از کوره در رفتن و اختیار هیچان را از کف‌دادن است و جرئت‌مندی از طریق گفتار با «من» آغاز شونده می‌تواند به شما کمک کند به نحو سازنده‌ای بر خشم خود متمرکز شوید و در ارتباط با احساسات خودتان موضع روشنی بگیرید.

■ یادگیری جرئت‌مندی به شیوه‌ای مثبت

■ چگونه شروع کنیم

یک نظام اعتقادی و ارزشی را قبول کنید که به شما رخصت ابراز وجود بدهد. این گام، دشوارترین گام است. بدین معنی که چنین نظامی است که به شما اجازه می‌دهد خشمگین شوید، «نه» بگوئید، درخواست کمک کنید و خطا کردن را قبول کنید.

■ یادگیری مهارت‌های جرئت‌مندی

این مهارت‌ها عبارتند از جرئت‌مندی اساسی، جرئت‌مندی قوی، جرئت‌مندی فزاینده، جرئت‌مندی از طریق گفتار با «من» آغاز شونده با استفاده از این چهار نوع جرئت‌مندی، از بهترین مهارت‌های ارتباطی خود استفاده کنید.

ستاره

پیشانی‌بند
حبولایت
پرپیشانی‌مان

رقیه افسری

■ با تشکر از حضور تان در این گفت‌وگو لطفاً خودتان را معرفی کنید

اینجناب غلامعلی دهقانی فرزند شهید نجفعلی دهقانی ساکن تبریز، دانشجوی رشته مدیریت آموزشی در دوره کارشناسی ارشد ورودی بهمن ماه ۸۳ می‌باشم. تحصیلات دانشگاهی بنده از سال ۷۱ شروع شد که در رشته مهندسی کشاورزی دانشگاه شاهد پذیرفته شدم. پس از فارغ التحصیلی در سال ۷۵ خدمت نظام مقدس وظیفه را گذرانده و در حدود دو سال به صورت غیر رسمی در شرکت هواپیمایی هما و شرکت فرودگاه‌های کشور مشغول به کار بودم نهایتاً در سال ۸۱ در دانشگاه علوم پزشکی تبریز به صورت رسمی استخدام شدم. با توجه به علاقه شدیدم به ادامه تحصیل و همچنین



فصلنامه استادشاهد ولی‌آرگر

۳۲

دانشگاه شهید بهشتی
شماره هشتم
زمستان هشتاد و پنج

ایثارگر چیست؟

به نظر من خدمات ستادهای شاهد و ایثارگر باید بی‌ریا و خالصانه باشد. طوریکه دانشجویان زمان مراجعه به ستاد احساس امنیت و صمیمیت کند و ستاد را مثل خانه خودش بداند و تمامی کارکنان ستاد را نیز مانند خانواده‌اش بداند. در این صورت است که او به بیان مشکلات خود خواهد پرداخت. برای مثال هر ترم هزینه ای برای دانشجویان حائز شرایط ارتقا معدل در نظر گرفته می‌شود که این ارزشمند است. ولی نحوه و فرآیند این کار در ستاد درست نیست. به این دلیل که اینکار نیازی به این ندارد که اطلاعیه‌ای زده شود و دانشجویان از آموزش دانشکده‌اش معرفی نامه بگیرند و الی آخر. ستاد بایستی هر ترم از طریق سیستم آموزشی (شبکه) وضعیت آموزشی دانشجویان را استخراج و تجزیه و تحلیل نموده و دانشجویان مشروط را با یک دعوت نامه مخصوص به ستاد دعوت و علت افت تحصیلی آنها را جویا شود. همچنین دانشجویان واجد شرایط تشویق را، بدون مراجعه خودشان مورد تشویق قرار دهد. البته این یکی از مواردی بود که به نظر من آمد.

موضوع دیگری که جای بحث دارد این است که هم در بعد آئین نامه‌های آموزشی و هم تسهیلات و خدمات آموزشی بین دانشجویان موفق و ناموفق بی‌عدالتی وجود دارد. چرا که قریب به ۷۰٪ بودجه ستادها جهت ارتقا تحصیلی صرف دانشجویان ناموفق می‌شود. که این ارزشمند است ولی برای دانشجویان موفق چیزی پیش‌بینی نشده است. دانشجویی با رتبه ممتاز مقطع خودش را به اتمام می‌رساند ولی هیچ گونه امتیازی برای ادامه تحصیل او در مقاطع بالاتر وجود ندارد. موضوع دیگری که به نظر من می‌رسد مهم باشد این

ما باید در شرایط بحرانی و با وجود مشکلات متعدد پیروز میدان باشیم. چرا که در شرایط عادی و رفاه کامل همه می‌توانند موفق باشند

شغل اینجانب، رشته مدیریت آموزشی را جهت ادامه تحصیل انتخاب نمودم و با عنایت خداوند با دو الی سه ماه مطالعه موفق شدم با رتبه پنج در رشته مدیریت آموزشی دانشگاه شهید بهشتی پذیرفته شوم. در هر چهار ترم طول تحصیلم در دانشگاه شهید بهشتی جزء دانشجویان ممتاز دانشکده بودم و در سال ۸۵ در دانشگاه دانشجوی نمونه مقطع ارشد برگزیده شدم.

چه عواملی را در موفقیت خود موثر می‌دانید؟

مهمترین عامل از نظر من توکل بر خدا بود. چرا که من به این بیت شعر اعتقاد دارم:
تکیه بر تقوا و دانش در طریقت کافری است
راهرو گر صد هنر دارد توکل بایدش
در درجه دوم تلاش و پشتکار خودم بود. من در طول تحصیل با شرایط خیلی مشکلی ادامه تحصیل دادم. طوریکه به مدت ۲ سال هر هفته سفری را از تبریز به تهران و بالعکس داشتم و در کنار تحصیل مشکلات مربوط به کار، خانواده و بسیاری از موارد دیگر مانند نداشتن فرصت کافی برای مطالعه را داشتم و سعی کردم در حداقل زمان، حداکثر استفاده را از این فرصت ببرم و با توجه به اینکه نسبت به سایر دانشجویان از فرصت کمی برای مطالعه بهره مند بودم ولی با توکل به خدا و تلاش خودم در رقابت بین دانشجویان سربلند بیرون می‌آمدم. البته از نظر من اصل هم همین است یعنی ما باید در شرایط بحرانی و با وجود مشکلات متعدد پیروز میدان باشیم. چرا که در شرایط عادی و رفاه کامل همه می‌توانند موفق باشند.

نظر تان در رابطه با فعالیت‌های ستاد شاهد و

است که اکثر مسئولین دانشگاه از روی آمار و اطلاعات بر روی دانشجویان ناموفق و دارای شرایط بحرانی مانور می‌دهند و یک تبلیغات منفی در این خصوص در تمامی دانشگاه‌ها وجود دارد. بنابراین اینجاست که ستادهای شاهد و ایثارگر باید در مواردی که دانشجویان شاهد موفق و ممتاز وجود دارد بهترین استفاده را نموده و در جلسات و مواقع مختلف تبلیغات نمایند تا به نوعی جبران آن تبلیغات منفی بشود. که متأسفانه ستادهای شاهد در این خصوص کم لطفی کرده‌اند.

■ در مورد طرح استاد مشاور چه نظری دارید؟

این طرح با وجود انتقادهای متعددی که از آن می‌شود یک طرح مفید برای دانشجویان شاهد و می‌باشد. البته مواردی در این طرح است که باید مورد توجه خاص مسئولین واقع گردد از جمله اینکه این طرح نیاز به یک تیم کاری فعال جهت پیگیری و هماهنگی دارد، به نحوی که از طرق مختلف ارتباط بین دانشجویان و اساتید مشاور ایجاد و تقویت شود و در طول ترم این رابطه بصورت کاملاً نزدیک و صمیمی باشد و از طرف دیگر در انتخاب اساتید بایستی دقت شود تا فرهنگ و باورهای دینی و مذهبی اساتید باورهای دانشجویان سنخیت داشته باشد تا این ارتباط که اصلی‌ترین عامل در طرح استاد مشاور است صورت بگیرد. به نظر من مواردی که در این طرح لازم است صورت بگیرد عبارت است از:

- ۱- این طرح به صورت جامع و مستمر پیگیری شود.
- ۲- در مواردی انتخاب استاد از سوی دانشجویان می‌تواند مفید باشد.
- ۳- امضای فرم انتخاب واحد دانشجو توسط استاد مشاور مربوطه و الزام این فرآیند جهت مراجعه

دانشجو به اساتید مشاور.

- ۴- ارائه برخی از خدمات آموزشی و کمک آموزشی از طریق اساتید مشاور.
- ۵- الزام اساتید جهت ارائه گزارش ماهانه به ستاد در خصوص جلسات مشاوره به دانشجویان.
- ۶- استفاده از اساتید متدین با باورهای ارزشی جهت تلاش برای جذب دانشجویان و ایجاد ارتباط.
- ۷- جلسات مرتب دانشجویان با اساتید و با حتی جلسات اساتید مشاور دانشگاه جهت بیان مشکلات و ارائه راهکارهای مناسب.

■ فکر می‌کنید چه چیزی باعث شده که دانشجویان شاهد کمتر به ستاد مراجعه کنند و یا حتی منکر سهیمه‌ای بودن خودشان شوند؟

به نظر بنده این قضیه از دو بعد قابل بررسی است. اولین بعد آن برمی‌گردد به فرهنگ سازی جامعه در خصوص جایگاه والای شهادت و ایثارگری و عدم اطلاع رسانی صحیح و شفاف در خصوص نحوه خدمات رسانی به این قشر عزیز. به طور مثال جایگاه والای خانواده‌های شهدا هنوز برای خیلی از اقشار جامعه شناخته شده نیست در این زمینه نیاز به یک فرهنگ سازی می‌باشد به نحوی که در همه کشورهای دنیا با مذاهب و گرایش‌های متفاوت در مورد کسانی که در راه وطن جان خود را فدا می‌کنند جایگاه ویژه‌ای وجود دارد و آنها را قهرمانان ملی خود به حساب می‌آورند و حرمت و احترام خاصی برای آنها و خانواده‌های آنها قائل هستند. حالاً در کشور ما نیز که یک کشور مسلمان و شیعه و معتقد به ارزشهای والای انسانی و اسلامی است باید واژه شهید از جایگاه بسیار رفیعی برخوردار

در همه کشورهای دنیا با مذاهب و گرایش‌های متفاوت در مورد کسانی که در راه وطن جان خود را فدا می‌کنند جایگاه ویژه‌ای وجود دارد و آنها را قهرمانان ملی خود به حساب می‌آورند

ارزشی ندارد. دوم اینکه در طول ترم‌های اول و دوم تحصیل دانشجوی، یک حمایت همه جانبه از او صورت گیرد. بطوریکه از ابعاد مختلف تحصیلی و فرهنگی مورد توجه قرار گرفته و در انتخاب راه درست او را یاری نمایند تا دانشجوی در آشوب شرایط متفاوت محیط قبل از دانشگاه و داخل دانشگاه به گمراهی نگراید. و بهترین گزینه را انتخاب نماید و این باور را در ذهن دانشجوی بگنجانیم که هدف او از تحصیل باید رسیدن به درجات بالای علمی باشد و صرف اتمام یک دوره تحصیلی به هیچ عنوان به درد آینده او نخواهد خورد.

■ حرف آخر

خدا را شاکرم که افتخار فرزند شهید بودن را نصیب من فرموده و باز هم او را شاکرم که در این راه شاید باعث سربلندی پدرم نشده باشم، در عین حال باعث سرافکندگی او نیز نشدم. دوست دارم در کلیه عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی، علمی و یا ورزشی با نام فرزند شهید وارد شوم و با تلاش و پشتکار از جایگاه والای شهید و شهادت و وارثان شهدا حمایت نمایم.

ما فرزندان شهدا، وارثان مردان بزرگی از طایفه عشاق هستیم که از تمام وجود خویش گذشتند تا به تکلیف خود عمل کنند. آنها با شهادتشان مسئولیت بزرگی را بر دوش ما نهادند و تکلیف ما را مشخص نمودند. پس پیشانی بند حب ولایت بر پیشانی مان، سلاح علم و ایمان بر دستمان در راه بلندیهای پیشرفت و ترقی قدم می‌نهیم، به امید آنکه دعایمان کنند و شفاعت ما را بر گردن گیرند.

والسلام علیکم

اللهم عجل لولیک الفرج

باشد که متأسفانه اینطور نیست و شاید یکی از دلایل منکر شدن بعضی از فرزندان شاهد همین مورد باشد. دلیل دوم برمی گردد به خود ما البته شناسایی دقیق این مشکل نیاز به یک پژوهش اساسی دارد آن چیزی که مد نظر بنده است شاید هم درست نباشد، ولی من معتقدم یکی از این عوامل به خود ما بر می‌گردد. اگر ما در ابعاد مختلف تحصیلی، اجتماعی، اخلاقی و غیره نقطه ضعفی نداشته باشیم اینگونه رفتار نمی‌کنیم. یک ضعف اساسی ما را وادار می‌کند که منکر این موضوع شویم. برای مثال اگر ما در بعد علمی ضعیف باشیم منکر سهمیه می‌شویم و یا در بعد اخلاق و رفتار اگر ضعفی داشته باشیم که بر خلاف ارزشهای اسلامی، شهید و شهادت باشد ما را وادار می‌کند تا از هویت واقعی خود دوری کنیم و آن را منکر شویم و در غیر این صورت ما با افتخار هویت خود را عنوان می‌کنیم و در جهت اعتلای آن قدم برمی‌داریم.

■ آیا در خصوص توانمند سازی دانشجویان شاهد و ایثارگر پیشنهادی دارید؟

در این خصوص دو مسئولیت مهم وجود دارد که یکی به عهده بنیاد شهید و دیگری به عهده دانشگاه و یا ستادهای شاهد و ایثارگر است. اولین مورد این است که در طول تحصیل در دبیرستان مشاوره تحصیلی مناسب برای این عزیزان صورت گیرد و دانش آموزان را با ابعاد مختلف بازار کار و موقعیت‌های شغلی مناسب آشنا سازند چرا که صرف علاقه به رشته تحصیلی نمی‌تواند متضمن موفقیت آنها در آینده باشد و شرایط کشور ما کاملاً با کشورهای دیگر متفاوت است و علاقه به یک شغل مناسب اگر با بازار کار تناسب نداشته باشد

مردان خدا

گزارش دیدار از خانواده شهید فرامرز پروانه اسدی

خواننده و هم‌اکنون متاهل می‌باشد و برای خودش زندگی مستقلی تشکیل داده است. من و دخترم با هم زندگی می‌کنیم. دخترم نیز دانشجوی رشته معماری می‌باشد. البته رشته خودم نقاشی بوده و در حال حاضر مدیریت مدرسه‌ای را بر عهده دارم.

خانم دوست محمدی (همسر شهید) از ناملایمات زندگی می‌گوید. از عدم توجه در رسیدگی به وضعیت زندگی خود و فرزندانش از سوی ارگان‌ها و نهادهای ذیربط گله می‌کند. حرفهایش حکایت از دل‌پر دردی دارد که در این سال‌ها وقف مادر بودن کرده است و در کنار آن مسئولیت پدر بودن را نیز به دوش کشیده است، از او می‌خواهم در مورد فعالیت‌های خود و فرزندانش صحبت کند. در جواب من تابلوهای رنگ روغن خود را نشانمان می‌دهد و چنین می‌گوید: دخترم فاطمه نیز نقاشی می‌کند.

در ضمن شعر هم می‌گوید و در خوشنویسی هم دستی برآتش دارد. فاطمه فرزند شهید نیز به جمع

باز هم پنجشنبه‌ای دیگر و موعد دیدار با خانواده شهیدی. این بار نیز طبق هماهنگی قبلی، زمان وعده ساعت ۳ بعد از ظهر در ستاد شاهدو ایثارگر دانشگاه. قبل از رفتن با خود می‌اندیشیدم که زمان ورود به منزل شهید پروانه اسدی چگونه سر صحبت را باز کنیم. از کجا شروع کنیم. چرا که صحبت در مورد انسانهای والا بسیار سخت است. ولی همین که وارد منزل شهید می‌شویم، گویی در و دیوار و اثاثیه منزلشان با آدم حرف می‌زنند. کلمات بدون اختیار بر زبان جاری می‌شوند. خانم دوست محمدی همسر شهید ما را با رویی باز می‌پذیرند.

از شهید یک دختر و یک پسر به یادگار مانده است و از چهره مصمم و با اراده همسر شهید می‌توان فهمید که برای به ثمر رساندن فرزندانشان زحمات زیادی را به تنهایی متحمل شده‌اند و زیر بار این مسئولیت مهم قدخم نکرده‌اند و با غرور و افتخار در مورد فرزندان برومندشان این چنین باب سخن را می‌گشایند. "پسرم معماری



ما می‌پیوندد. مانند مادرش چهره ای گرم و صمیمی دارد. وقتی در مورد شعرهایش سوال کردیم، به اتاقش رفت و کتابچه‌اشعار خود را برایمان هدیه آورد. دختر فعال و پر جنب و جوشی است. به گفته مادرش کار تدریس در رشته‌هایی همچون: نقاشی، خوشنویسی و... را بر عهده دارد. و به حق می‌توان گفت که نماینده شایسته ای برای پدرش می‌باشد.

آن قدر گرم صحبت می‌شویم که گذر دقایق را حس نمی‌کنیم وقتی که به خودمان می‌آئیم می‌بینیم زمان مقرر سپری شده و باید از این خانواده و جمع صمیمی خداحافظی کنیم. در پایان چند عکس یادگاری از همسر و دختر شهید می‌گیریم. تابلوهای زیبای خانم دوست محمدی را هم فراموش نمی‌کنیم و تعدادی از آنها را انتخاب می‌کنیم اما اتفاق از چیز دیگری حکایت دارد و افسوس که به علت نقصی که در کامپیوتر به وجود آمد عکس‌های گرفته شده از بین رفت و ما نتوانستیم برای گویاتر شدن این گزارش از تصاویر استفاده کنیم و خاطرات خوش آن لحظات و تصاویر زیبای نقاشی در صفحات ذهنمان بایگانی شد.

ولی خوشحالیم از اینکه باز هم خداوند سعادت دیدار با خانواده شهیدی دیگر را نصیبمان نمود. متبرک شدن از فضایی که حضور معنوی شهیدی را در خود دارد گوارای وجود و جای دوستانی که دل به این زیارت داشتند و توفیق حضور حاصل نشد سبز.

شیریه باران



شهید فرامرز پروانه اسدی

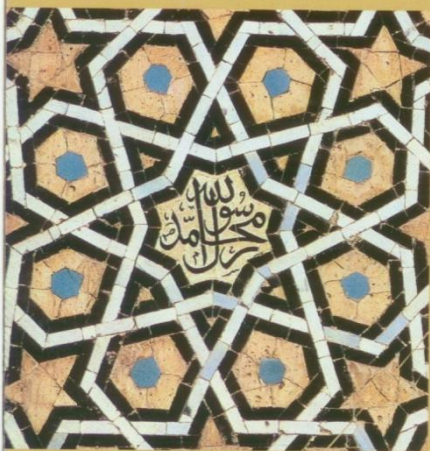
رشته تحصیلی: علوم اجتماعی

تاریخ تولد: ۱۳۴۰، باختران

تاریخ و محل شهادت: ۱۳۶۲/۱۲/۴

شهید فرامرز پروانه اسدی دانشجوی رشته علوم اجتماعی دانشگاه شهید بهشتی در سال ۱۳۴۰ در شهر باختران متولد شد. پس از قبولی در دانشگاه شهید بهشتی با شروع جنگ تحمیلی از دانشگاه به جبهه‌های نبرد حق علیه باطل اعزام و با رشادت و پایداری به مقابله با دشمن تجاوزگر پرداخت و پس از مدتها حضور مؤثر و افتخار آفرین در عرصه دفاع از میهن بالاخره در تاریخ ۱۳۶۲/۱۲/۴ به درجه رفیع شهادت نائل آمدند.





فراز‌هایی از وصیت‌نامه شهید:

خدایا تو را سپاس می‌گذارم که شهادت را فوزی عظیم برای نیکان و صالحان قرار دادی. پروردگارا! تو می‌دانی که بسیا رگناه کردم و چه بسا که از اوامرت سرپیچی کردم. خدایا! ترسانم از آن روز که همه را از زن و مرد و پیر و جوان و کوچک و بزرگ از قبر فرا می‌خوانی. خدایا! در آن روز چگونه به اعمالم بنگرم، خدایا تنها زیادت‌ی رحمت توست که امیدوارم می‌سازد. خدایا! چنان به رحمانیتت امیدوارم که شب و روز مشتاق دیدار تو هستم لیکن ای خدا مبادا در بستر بیماری و یا جایی جز میدان مبارزه با دشمنان تو و رسول(ص) تو از این دنیا رخت بریندم، هیهات از مرگ غیر از شهادت. پروردگارا! بیمناکم از اینکه نامه اعمالم از حسنات خالی است.

خدایا من نمی‌دانم زبان عاجزم را چگونه در برابرت بگشایم، خدایا آنقدر روسیاهم که اشک‌هایم در نظرم بی‌ارزش می‌نماید. خدایا مبادا رسوایم کنی. خدایا تو را به بخشندگی ات از سر تقصیراتم بگذر. خدایا اگر از نمازم بپرسی، اگر از روزهام بپرسی، اگر از نیکی به پدر و مادرم بپرسی، اگر از اطاعت از ولی امر بپرسی، اگر از مهربانی با مؤمنین بپرسی، اگر از انفاق بپرسی، اگر از نعماتت بپرسی، ای پروردگار چگونه پاسخگو باشم با اینکه می‌دانی و می‌دانم که بسیار خطا کردم و نفسم بر من مسلط بود خدایا از این میدان هولناک بسیار می‌ترسم. خدایا حال که تاکنون عمر را بر اساس دستورات تو نگذرانده‌ام پس ای پروردگار عالم، جهاد خالصانه نصییم کن تا با دشمنان تو بجنگم و اگر از گناهانم درگذشتی شهادتی خالصانه‌تر روزیم کن.

خدایا پدر و مادر مرا ببخش و بیمارز و دل آنها را از من راضی بگردان، خدایا به ما بینشی ده تا علمای دین را قدر بدانیم و دستوراتشان را گردن نهیم، خدایا در آن روز عظیم مرا از شفاعت محمد(ص) و آلش بهره مند ساز.

خدایا تو را به جان مهدی(عج) تا انقلاب مهدی(عج)، خمینی را نگهدار. خدایا ما را از یاران امام زمان(عج) قرار بده و قلبش را از ما خشنود بگردان. خدایا هر کس که به این انقلاب خدمت می‌کند موفق بدار و هر کس که خیانت می‌کند اگر قابل هدایت نیست رسوا و نابود بفرما.

اسامی دانشجویان شاهد و اینارگر ممتاز نیمسال اول ۸۶-۸۵

ردیف	نام و نام خانوادگی	رشته تحصیلی	معدل
۱	علی الماسی منفرد	مهندسی کامپیوتر	۱۵/۵۵
۲	مریم شیرزادیان	برق	۱۵/۴۸
۳	مریم گرگ پور	معماری	۱۷/۴۲
۴	ندا آقا بگلو	معماری	۱۷/۱۳
۵	ریحانه حجتی	معماری	۱۵/۷۶
۶	محمد رحیمی	معماری (ارشد)	۱۶/۳۹
۷	اعظم شوهانی	حقوق	۱۷/۵۰
۸	مرضیه گلی	حقوق	۱۷/۳۰
۹	فاطمه نمازبان	حقوق	۱۶/۳۶
۱۰	فائزه ابراهیمی	ادبیات انگلیسی	۱۸/۳۲
۱۱	مریم موسوی	ادبیات عرب	۱۷/۴۰
۱۲	سجاد برزگر	تاریخ	۱۶/۹۵
۱۳	سمانه آقاجانیور	زیست گیاهی	۱۸/۳۶
۱۴	راضیه کافی موسوی	شیمی محض	۱۵/۱۱
۱۵	مرضیه گیلانی	تربیت بدنی	۱۷/۵۰
۱۶	امینه طاهری	تربیت بدنی	۱۷/۲۵
۱۷	زهره سادات حسینی نژاد	روانشناسی	۱۸/۶۸
۱۸	فاطمه رسولی خورشیدی	روانشناسی	۱۸/۱۶
۱۹	عطیه مداح	روانشناسی	۱۷/۵۵
۲۰	حسن جنگاور	اقتصاد نظری	۱۹/۱۸
۲۱	محبامشیری	اقتصاد بازرگانی	۱۸/۳۳
۲۲	عصمت دارابی	علوم سیاسی	۱۷/۱۲

دیدن رنگ قرمز قبل از آزمون‌ها، تاثیر منفی دارد

دیدن رنگ قرمز قبل از شرکت در آزمون‌ها، بر نتایج امتحان تاثیر منفی دارد. دانشمندان آلمانی و آمریکایی در پژوهشی مشترک دریافته‌اند که رنگ قرمز بر روی عملکرد افراد به ویژه بر روی بازده افراد به هنگام ارائه آزمون تاثیر قابل توجهی می‌گذارد. محققان دانشگاه مونیخ و روچستر در این پژوهش در زمینه تاثیر رنگ قرمز بر روی بازده هوشی افراد مطالعه کرده و دریافته‌اند که وجود حتی یک نقطه قرمز می‌تواند بر روی نتیجه آزمون افراد تاثیر قابل توجهی داشته باشد.

اندرو البوت، استاد روانشناسی در دانشگاه روچستر و سرپرست این تحقیقات در این باره اظهار داشت: محققان دریافته‌اند وقتی افراد حتی یک نور قرمز قبل از آغاز امتحان می‌بینند، در ذهن آنها اشتباه و خطا تداعی می‌شود و در نتیجه در آزمون ضعیف عمل می‌کنند.

وی گفت: بدیهی است که رنگ قرمز ارزش زیبایی شناسی دارد اما می‌تواند در عین حال یادآور اطلاعات خاصی در ذهن افراد باشد.

زهره فلاح نژاد
دانشجوی فرزندجانناز
رشته مدیریت آموزشی

دانشگاه

لبنان سرزمین مقاومت

سفرنامهٔ جمعی از اساتید به لبنان

... به طور همزمان به آنها حمله کرده و برای آزادی آن خون‌های بیشماری ریخته شده است. ابوهیثم در توصیف قلعه می‌گوید: این قلعه در زمان روم باستان ساخته شده و از همان زمان استفاده نظامی از آن می‌شده. این قلعه ۱۸ سال در اشغال اسرائیلیها بود. و هم اکنون پرچم حزب ... در بلندای قلعه به اهتزاز در آمده است. لوح‌اهدایی از طرف امیل لحود رئیس‌جمهور لبنان در ورودی قلعه جلب توجه می‌کند. این قلعه در

نبطیه مظهر مقاومت لبنان است و ۱۸ سال در مقابل اسرائیل مقاومت کرده و صدها شهید در این راه فدا نموده است. هر وقت اسرائیل تصمیم می‌گرفت از لبنانی‌ها زهر چشم بگیرد، نبطیه را بمباران می‌کرد. به بلندیه‌های اقلیم التفاح و ارتفاعات مرجانیه می‌رسیم، در اینجا اعضا حزب ... تنها با نشان دادن کارت شناسایی مخصوص اجازه تردد پیدا می‌کنند. به قلعه الشقیف می‌رسیم. این قلعه یکی از ۳۶ محلی است که حزب

نظر اسرائیلی‌ها آن قدر مهم بود که دو نفر از وزراء به اینجا آمدند تا روحیه افراد قلعه را که در اثر حمله‌های اعضای حزب... ضعیف شده بود، تقویت کنند. باراک و شیمون پرز هم در طول وزارت خود به اینجا آمده‌اند.

ابوهیثم در مورد ارزش رودخانه لبتانی بسیار توضیح می‌دهد و سپس در خصوص مردم اطراف قلعه این چنین می‌گوید: اسرائیل در اینجا خود را بسیار در امان می‌بیند، چرا که اکثر اهالی منطقه مسیحی هستند. در این منطقه عملیات استشهدادی صورت گرفت که تلویزیون منار آن را بارها به نمایش گذاشت. ابوهیثم این بار در مورد رابطه برادری خود با ایرانی‌ها سخن می‌گوید، در مورد امام خمینی و اسلامی که ایشان ترویج نمودند او در ادامه عنوان می‌کند: اسلام واقعی اسلامی بود که امام خمینی (ره) در موردش بسیار می‌گفت و همه را به این اسلام تشویق می‌نمودند، نه اسلام آمریکایی که استعمار آرزویش را دارد. وی در ادامه می‌گوید: "ما از هر چیزی که در اطرافمان بود برای مبارزه با اسرائیل بهره گرفتیم، سنگها، کوه‌ها، بلندی‌ها، درختان و حتی پرندگان به ما در مبارزه با اسرائیل چیزهای بسیاری آموختند. الطاف الهی همیشه شامل حال ما بود ما مرگ را آن طور که خداوند در قرآن گفته در کاخ‌های دشمنان (اسرائیلی‌ها) برایشان هدیه بردیم.

وی در ادامه با بیان نکته‌ای از امام صحبتش را چنین ادامه می‌دهد: امام خمینی (ره) در ایران عنوان می‌کند که انقلاب ایران هر چه دارد از برکات عاشورا است و من هم اضافه می‌کنم، حزب... هر چه دارد از انقلاب ایران است. امام خمینی ما را با تفکر اسلام واقعی آشنا کرد و باعث رشد و ارتقا ما شد. ما همیشه در لبنان وجود امام را حس می‌کنیم." از مسیر پر از سنگلاخ می‌گذریم با

اینکه در این مسیر پلکانی تعبیه شده حتی با این وجود نیز می‌شود فهمید که اینجا یک منطقه نظامی است. در این قلعه ۳۲ نظامی حضور دارند. منطقه با کلیه امکانات نظامی اش تنها توسط ۵۰۰ چریک حزب... آزاد شد. آنها همزمان به ۳۶ محل حمله برده و با شعار شهادت به قصد فتح قدس، لبنان را آزاد ساختند. ابوهیثم به یکی از سنگرهای آلمانی اشاره کرده و می‌گوید: سنگری آلمانی با تکنولوژی فرانسوی، اسلحه یهودی و درآمدی کران یهودیان مقیم آمریکا، همه و همه در این قلعه بود و در مقابل حزب... چه داشت؟ تنها تکیه گاهش الله بود و بس. دست خالی به جنگ شیطان آمدند و این قلعه را فتح کردند. در قلعه الشقیف ۲۸ سنگر وجود داشت و در راه آزاد سازی این منطقه ۲۸۵ نفر از جمله پسر سید حسن نصر... شهید شدند.

زمانی که اسرائیلی‌ها در حال عقب نشینی از منطقه بودند استحکامات اینجا را از بین بردند تا مردم جهان ندانند که اسرائیل تا چه اندازه ای از مسلمانان ترس و واهمه دارد. او در ادامه می‌افزاید: بعد از اینکه حزب... متوجه شد که اشغالگران قصد نابودی استحکامات را دارند با تهدید آنها به بمباران شهر کهای یهودی نشین مستقر در مرز مانع از ادامه تخریب استحکامات شد و با انجام عملیات بدر کبری همزمان به ۳۶ قلعه حمله کرد، و تنها با وجود پانصد چریک موفق به فتح این قلعه‌ها شد.

با دیدن این مناظر علی الخصوص سنگرهای برجای مانده از جنگ به یاد ۸ سال دفاع مقدس خودمان می‌افتیم. همیشه تاریخ در حال تکرار است نبرد حق علیه باطل. نیروهای باطل با پیشرفته‌ترین امکانات و تجهیزات و نیروهای حق با حداقل نیرو و امکانات ولی یاری حق.

ادامه دارد...

خورشید تابناک

این انقلاب درس جدیدی را مطرح کرد و مهمترین میوه آن استقلال بود و این استقلال زمانی حفظ می‌شود که بتوانیم ضمن داشتن ارتباط با جهان مراقب باشیم که مجدداً استقلالمان خدشه‌دار نشود و این درس بزرگی برای بسیاری از کشورهاست و به اعتراف بسیاری یک انقلاب مخصوص به خود است یعنی برای آن نظیری نمی‌توان پیدا کرد. در مورد یگانه بودن انقلاب گروهی که به وجود سه عامل مستقل معتقدند می‌گویند ما در دنیا هیچ انقلابی نداریم که این سه عامل در آن دوش به دوش یکدیگر حرکت کرده باشد. ما نهضت‌های سیاسی داریم ولی طبقاتی نبوده‌اند، نهضت‌های طبقاتی داریم اما سیاسی نبوده‌اند و بالاخره اگر هر دو این عوامل وجود داشته‌اند، از عامل معنوی و مذهبی خالی بوده‌اند. به این ترتیب این گروه نیز نظر ما را در مورد منحصر به فرد بودن این انقلاب به نحوی می‌پذیرند.

راز موفقیت نهضت ما نیز در این بوده است که نه تنها به عامل معنویت تکیه داشته، بلکه آن دو عامل دیگر - مادی و سیاسی - را نیز با اسلامی کردن محتوای آنها، در خود قرار داده است.

در طول نزدیک به سه دهه که از عمر انقلاب اسلامی می‌گذرد قدرت‌های استکباری غرب با هدف به‌زانو درآوردن جمهوری اسلامی ایران، به انواع حیل‌ها، تجاوزگری‌ها و اعمال خصمانه دست زدند که این سناریوی پر از توطئه و تجاوز تا حال نیز ادامه دارد.

ومن... التوفیق
مدیرمسئول

امام خمینی یکی از بزرگترین اندیشمندان مسلمان دوران معاصر و مردان تاریخ ساز جهان اسلام است که نه تنها انقلابی عظیم را در ثلث آخر سده بیستم رهبری و هدایت نمود و توانست چون خورشیدی تابناک در افق آسمان تمدن اسلامی ایران ظاهر گردد، بلکه به مدت ده سال رهبری نظام و ساختن ارکان و بنیانهای اصلی آن را نیز بر دوش گرفت. انقلاب اسلامی ایران به عنوان یک حقیقت بارز و زنده حاصل اندیشه آن مرد بزرگ محسوب می‌شود، اندیشه‌ای که نه تنها برای ما ایرانیان بلکه برای بسیاری از مردم جهان نیز می‌تواند جهت دهنده و امیدبخش باشد.

انقلاب ما ثابت کرد که بعد وسیع‌تر و فراتری از مرزها دارد و می‌تواند شعله‌هایی از بیداری را در جهان اسلام برافروزد، بنابراین کم‌کم موجب شد که دیگر ملت‌های مسلمان هم به فکر مبارزه بیافتند.

در حالی که تا قبل از انقلاب ایران، مسلمانان در گوشه و کنار جهان مسلمان بودن خود را از روی شرم پنهان می‌کردند ولی امروزه نه تنها مسلمانان احساس عزت می‌کنند بلکه با گسترش بیداری اسلامی، حکومت‌های دیکتاتوری و مورد حمایت آمریکا در مقابل با موج اسلام‌گرایی با چالش مواجه شده‌اند.

ما شاهدیم که پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران خیلی از جنبش‌ها و نهضت‌ها شکل گرفتند یا انسجام بیشتری یافتند و در واقع هم اکنون موجی از بیداری، حرکت و تحول را در دنیای اسلام شاهدیم که این می‌تواند برگرفته از انقلاب اسلامی باشد به این دلیل که

دانشکده علوم زمین

